

مہدویت در فرق اسلامی

وادیان پیش از اسلام

سید محمد حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مہدویت

در فرق اسلامی و ادیان آسمانی

تألیف و گردآوری: سید محمد حسینی

اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحِجَّةَ ابْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ. فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ
سَاعَةٍ. وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ
عِينًا. حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَ تَمْتَعَهُ فِيهَا

طويلاً.

تقديم به :

تنديس فضيلت و بهترين بقيت

شكوه توحيد و فروغ اميد

ذوالفقار عدالت و مشكات هدايت

دفينه اسرار و گنجينه انوار

قاموس قرآن و ناموس عرفان

عصارة اوصيا و خلاصة انبيا

امام السر والعلن، حجّت بن الحسن

مولانا ابا صالح المهدي (ارواحنه له الفدا)

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۱۵

فصل اوّل: تعریف مهدویت و اثبات آن از طریق عقل، منطق و فطرت

۱. مهدویت و نقش آن در اسلام ۲۲

۲. بررسی مهدویت و انتظار ظهور منجی از دیدگاه عقل و منطق ۲۳

۳. بررسی مهدویت و انتظار ظهور منجی از دیدگاه فطرت ۲۵

فصل دوّم: مهدویت در اسلام

مهدویت در اسلام ۲۸

۱. آشنایی با مذهب شیعه اثنی عشری ۳۳
۲. تعریف لغوی و اصطلاحی شیعه ۳۴
۳. فرقه های شیعه ۳۴
۴. امامیه یا شیعه اثنی عشری ۳۵
۵. مهدویت از دید گاه شیعه اثنی عشری ۳۷

مذهب اهل سنت

۱. آشنایی با مذهب اهل سنت ۴۷
۲. تعریف لغوی و اصطلاحی اهل سنت ۴۸
۳. فرقه های اهل سنت ۴۹
۴. مهدویت از دیدگاه اهل سنت ۵۱
- ۴-۱. متن کامل بیانیه علمای حجاز ۵۹
- ۴-۲. توضیحی پیرامون بیانیه علمای حجاز ۶۳
۵. تعداد روایات وارده درباره حضرت مهدی (ع) ۶۵

فصل سوم: مهدویت در ادیان آسمانی

دین زرتشت

۱. آشنایی با آیین زرتشتی ۷۱
۲. اصول دین و عقاید آیین زرتشت ۷۲
۳. کتب مقدس آیین زرتشت ۷۳
۴. فرقه های دین زرتشت ۷۴
۵. مهدویت از دیدگاه دین زرتشت ۷۵

دین هندوئیسم

۱. آشنایی با آیین هندوئیسم ۸۷
۲. اصول دین و عقاید آیین هندوئیسم ۸۷
۳. کتب مقدس آیین هندوئیسم ۸۹
۴. فرقه های آیین هندوئیسم ۸۹
۵. مهدویت از دیدگاه آیین هندوئیسم ۹۰

دین یهود

۱. آشنایی با آیین یهود ۱۰۱

۲. اصول دین و اعتقادات آیین یهود ۱۰۴
۳. کتب مقدس یهودیان ۱۰۶
۴. فرقه های دین یهود ۱۱۰
۵. مهدویت از دیدگاه دین یهود ۱۱۱

دین مسیحیت

۱. آشنایی با آیین مسیحیت ۱۲۳
۲. اصول دین و اعتقادات آیین مسیحیت ۱۲۵
۳. کتب مقدس مسیحیان ۱۲۹
۴. فرقه های مسیحیت ۱۳۱
۵. مهدویت از دیدگاه آیین مسیحیت ۱۳۲
- ۱-۵ آرماگدون، قرقیسا و رابطه آن با ظهور حضرت مهدی (ع) ۱۴۶
- مثنوی زمزمه دلباختگان و سخن پایانی ۱۵۰
- منابع و مأخذ ۱۵۲

پیش گفتار:

بسم الله الرحمن الرحيم

مطالعه سرگذشت جوامع مختلف بشری و بررسی مکتب های فکری در طول تاریخ، نشان می دهد که انسان ها همواره به یک سلسله مسائل بنیادی، اعتقاد راسخ داشته اند تا جایی که با گذشت قرن ها و ظهور مکاتب جدید فکری و پدیدار شدن تحولات شگرف در علم و صنعت و تکنولوژی، این گرایش ها تغییر نکرده و به اصالت خود باقی مانده است.

یکی از این مسائل، اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح جهانی است. گرچه اعتقاد به ظهور این منجی در آخر الزمان، در میان پیروان ادیان الهی، فروغ بیشتری دارد ولی بشر همواره در انتظار این مصلح به سر برده است و عقیده دارد که روزی این منجی خواهد آمد و به نابسامانی ها و بی عدالتی ها خاتمه خواهد داد.

اسناد و مدارک موجود تاریخی نشان می دهد که این اعتقاد یک اعتقاد جهانی و عالم گیر است و منحصر به اسلام و مذهب تشیع و یا حتی منحصر به مذاهب شرقی و غربی نیست. برای اثبات این مدعا به یک نمونه از اعترافات یکی از خاور شناسان متعصب یهودی اشاره می کنیم؛

"گلد زیهر" خاور شناس و یهودی متعصب درباره جهانی بودن مسئله انتظار و عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک "منجی بزرگ" می گوید:

«اعتقاد به بازگشت و ظهور "منجی موعود"، اختصاص به اسلام ندارد... پندارهای مشابهی را می توان در میان اقوام دیگری نیز به فراوانی یافت... بنا بر اعتقاد هندوئیسم "ویشنو" درحالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش

به دست دارد در پایان دوره کنونی جهان (کال کی) ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران غاصب رهایی خواهد بخشید.

در میان اقوام مغول، این عقیده شایع است که چنگیز خان پیش از مرگ خود وعده کرده که در ۸ یا ۹ قرن دیگر از نو، باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از یوغ "چینیان" نجات خواهد داد.

در میان اقوام شرقی و غربی، حتی در میان سرخ پوستان آمریکا، پندارهای مشابهی درباره بازگشت یا ظهور منجی موعود پدید آمده است.^۱

همچنین سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری، این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آرا و عقاید و اندیشه های متضادی که دارند در انتظار موعود جهانی به سر می برند:

۱. ایرانیان باستان معتقد بودند که: "گزرزاسپه" قهرمان تاریخی آنان زنده است و در "کابل" خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.
۲. گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: "کیخسرو" پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳. نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که : از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.
۴. نژاد ژرمن معتقد بودند که : یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و "ژرمن" را بر دنیا حاکم گرداند.
۵. اهالی صربستان انتظار ظهور " مارکو کرایویچ " را داشتند.
۶. برهمنیان از دیر زمانی بر این عقیده بودند که: در آخرالزمان "ویشنو" ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین به دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت، و تمام دنیا برهنم گردد و به این سعادت برسد.
۷. ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: "ارتور" روزی از جزیره "آوالون" ظهور نماید و نژاد "ساکسون" را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.
۸. اسن ها معتقدند که : پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده و دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.
۹. سلت ها می گویند: پس از بروز آشوب های در جهان، "بوریان بور ویهیم" قیام کرده و دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد.
۱۰. اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگ های جهانی اقوام را نابود می سازد، آنگاه "اودین" با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود.
۱۱. اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور "بوخص" می باشند.

۱۲. اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: "کوتزلکوتل" نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.
۱۳. چینی ها معتقدند که "کرشنا" ظهور کرده، جهان را نجات می دهد.
۱۴. زرتشتیان معتقدند که: "سوشیانس" (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دستت اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.
۱۵. قبایل "ای پوور" معتقدند که: روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.
۱۶. گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر "ممفیس" زندگی می کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می شود، اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند.
۱۷. گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخرالزمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می کند.
۱۸. ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب های مقدس خود، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.
۱۹. یونانیان می گویند: "کالویبرگ" نجات دهنده بزرگ ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد.

۲۰. یهودیان معتقدند که در آخرالزمان "ماشیح" ظهور می کند و ابدالآباد در جهان حکومت می کند و او را از اولاد حضرت اسحاق (ع) می پندارند. (در صورتی که "تورات"، کتاب مقدس یهود، او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل (ع) دانسته است).

۲۱. نصارا نیز به وجود حضرت مهدی (ع) قایلند و می گویند: او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت. (ولی در اوصافش اختلاف دارند).

گرچه همه این اعتقادات با حضرت مهدی (عج) کاملاً تطبیق نمی کند و حتی برخی از آنها اصلاً با مهدی موعود اسلام سازگاری ندارد، اما همگی از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن اینکه همه آنها از آینده ای درخشان و آمدن مصلحی جهانی خبر می دهند و نشانگر این واقعیت است که این افکار و عقاید از منبع پر فیض وحی سرچشمه گرفته است، ولی در برخی مناطق دوردست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده، و فقط کلیاتی از نوید های مهدی موعود و "مصلح جهانی" در میان ملت ها به جای مانده است.^۱

(البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیت موضوع می افزاید، و مسئله "مهدویت" و "ظهور مصلح جهانی" را قطعی تر می کند).

این مجموعه نیز می کوشد تا عقاید و پندارهای مذاهب اسلامی و ادیان آسمانی را در مورد "مصلح بزرگ جهانی" و "منجی موعود" بررسی نماید و دیدگاه هر کدام را ارائه دهد تا از این طریق، اصالت اعتقاد به ظهور منجی و انتظار او ثابت شود.

۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ...، صص ۴۳-۴۵

مطالب کتاب نیز به صورتی تدوین یافته است که در ابتدای هر قسمت ، نخست تعریفی کلی از دین یا مذهب مورد نظر و اعتقادات پیروان آن ارائه شود تا خواننده محترمی که ممکن است با تاریخ ادیان و مذاهب و اعتقادات آنان آشنایی نداشته باشد ابتدا با مبانی ایدئولوژیکی مکتب یا مذهب مورد بحث آشنایی پیدا کند .

سپس در قسمت بعد مجموعه اعتقادات آن دین یا مذهب در مورد مهدویت و ظهور منجی بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است.

امید است انشاءالله مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گرفته و مفید فایده واقع گردد.

در پایان برخود لازم میدانم از زحمات و تلاشهای پدر عزیزم، حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید عباس حسینی که در این راه مشوق و پشتیبان من بوده اند تقدیر و تشکر نمایم.

سید محمد حسینی

مشهد مقدس - ۱۳۸۵ هجری شمسی

فصل اول

تعریف مهدویت

و اثبات آن از طریق عقل ، منطق و فطرت



۱. تعریف مهدویت و نقش آن در اسلام

اصطلاح مهدویت به مکاتب فکری اطلاق می شود که شاخصه اصلی همه آنها اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و رهاننده باشد.

ارکان عمده این مکاتب که ریشه در باورهای دینی دارد به ترتیب عبارتند از: (۱) اسارت، (۲) غیبت، (۳) انتظار، (۴) نجات.

در توضیح مهدویت گفته اند که فرد یا قومی که در وضعیت اسف بار گرفتار شده و متحمل رنج ها و مصائب می شود و چشم به راه ظهور فرد یا گروهی است که در اختفا و غیبت به سر برده و در آینده ظهور خواهد کرد و نجات و رهایی انسان ها را به ارمغان خواهد آورد.

بحث مهدویت با عناوینی همچون "Messianism" به معنای مهدویت، مهدویت باوری، مسیحا باوری و موعود باوری و "Millenniumism" به معنای هزاره گرایی، اعتقاد به فرارسیدن هزاره سلطنت مسیح و اعتقاد به عصر سعادت و "Futurism" به معنای آینده گرایی مطرح می شود.

(البته هر کدام از این کلمات معمولاً در یک حوزه مطالعاتی خاص اعم از سیاسی، اجتماعی، دینی و حتی علمی و ادبی کاربرد دارد.)

دین اسلام نیز زمانی اندیشه ظهور منجی آخرالزمان را مطرح کرده است که این عقیده حداقل توسط سه آیین عمده دیگر (زرتشت، مسیحیت و یهود) به تفصیل بیان شده بود. از این رو اسلام، به نوعی در این مورد تصدیق کننده محسوب می شود نه مبدع.^۱

۱. مهدویت در اسلام و زرتشت، ص ۱۴

۲. بررسی مهدویت و انتظار ظهور منجی از دیدگاه عقل و منطق

هنگامی که به وضع کنونی جهان نظر می افکنیم و سیر صعودی جنگ ها، جنایت ها و خونریزی ها، کشمکش ها و اختلافات بین المللی و گسترش روز افزون مفسد اخلاقی و اجتماعی را مشاهده می کنیم، پرسش هایی برایمان مطرح می شود که: آیا اوضاع کنونی جهان به همین منوال پیش خواهد رفت؟

آیا دامنه این جنایت ها، خیانت ها و کشتارها همچنان گسترش خواهد یافت؟ آیا این کشور گشایی ها، توسعه طلبی ها و ظلم و ستم های بی حد و مرز همچنان ادامه خواهد داشت؟

آیا این همه انحرافات عقیدتی و مفسد اخلاقی و ظلم های اجتماعی، همچون باتلاق متعفن، بشریت را در کام خود فرو خواهد برد؟

یا اینکه روزنه امیدی برای نجات بشر و اصلاح جامعه وجود خواهد داشت؟ در پاسخ به این سؤالات مهم باید گفت:

از نظر عقل و اندیشه سالم، روزنه امیدی برای نجات و اصلاح بشر وجود دارد و سرانجام روزی فرا خواهد رسید که این ابرهای سیاه و تاریک و طوفان های مرگبار و سیل های ویران کننده و فساد از میان خواهد رفت و در افقی نه چندان دور نشانه های ساحل نجات به چشم می خورد، چه آنکه جهان در انتظار یک مصلح بزرگ الهی است.

برای روشن شدن مطلب، به دو دلیل عقلی توجه فرمایید:

۱. نظام آفرینش به ما این درس را می دهد که جهان بشریت سرانجام باید به قانون الهی تن در دهد و خواه نا خواه تسلیم یک نظم عادلانه و پایدار گردد. به طور

خلاصه و با یک نگاه ساده به جهانی که در آن زندگی می کنیم به این حقیقت می رسیم که جهان هستی فاقد نظم و قانون نیست بلکه همه پدیده ها بر یک خط سیر معین در حرکت هستند و همه دستگاه های جهان هستی ، همچون لشکر انبوهی که به واحدهای منظمی تقسیم شده باشند به سوی مقصد معینی به پیش می روند.

بنابراین آیا در جهانی این چنین، که انسان "جزء" این "کل" است، می تواند به صورت یک وصله نا منظم و نا هم رنگ ، با جنگ و خونریزی و ستم زندگی کند؟
آیا بی عدالتی ها و فسادهای اخلاقی و اجتماعی که نوعی بی نظمی است می تواند برای همیشه بر جامعه بشریت حاکم باشد؟!

تردیدی نیست که از نظر عقل و اندیشه ، برای برقراری نظم و قانون و جلوگیری از هرج و مرج و ریشه کن شدن فتنه و فساد و اجرای قسط و عدالت وجود رهبری الهی و آسمانی لازم و ضروری است.

به همین دلیل است که امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از سخنان خود در نهج البلاغه می فرماید:

« اللَّهُمَّ بَلِي ، لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحِجَّةٍ إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَغْمُورًا
لِنَّا تَبْطُلُ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. »^۱

" آری بار خدایا ، زمین هرگز از حجت خدا خالی نخواهد بود که یا ظاهر و آشکار و یا ترسان و نهان خواهد بود تا حجت ها و دلایل روشن پروردگار باطل نگردد."

بنابراین جهان بشریت و جامعه انسانیت سرانجام در برابر نظم و عدالت سر تسلیم فرود خواهد آورد و به مسیر اصلی آفرینش باز خواهد گشت.

۱. نهج البلاغه فیض. کلمات قصار. ص ۱۱۵۸. شماره ۱۳۹

۲. سیر تکاملی جوامع نیز دلیل دیگری بر آینده روشن جهان بشریت است. زیرا ما هرگز نمی توانیم این حقیقت را انکار کنیم که جامعه بشریت از روزی که خود را شناخته است پیوسته در حال پیشرفت بوده و رو به کمال و ترقی حرکت نموده و این "قانون تکامل" سرانجام شامل جنبه های اخلاقی و معنوی و اجتماعی نیز خواهد شد و انسانیت را به سوی یک قانون عادلانه و صلح و عدالت پایدار به پیش می برد.

۳. بررسی مهدویت و انتظار ظهور منجی از دیدگاه فطرت

علی رغم وجود همه اختلافاتی که در میان امت ها و ملت ها در طرز فکر، آداب و رسوم، عقاید و آراء و تمایلات و خواسته های باطنی آن ها وجود دارد؛ عشق و علاقه به صلح و عدالت و زندگی مسالمت آمیز، مطلوب همه آن ها و خواست طبیعی همه انسان هاست. اینکه همه انسان ها در همه زمان ها می جوشند و می خروشدند و به دنبال روزی بهتر و زندگی مرفه تر می گردند و در انتظار تحقق پیروزی نهایی به سر می برند و با دیدن ظلم و ستم فریاد بر می آورند و بر ضد جباران و طاغوت های زمان طغیان می نمایند و فریاد رسی را به یاری می طلبند، خود دلیل قاطعی بر ریشه دار بودن این تمایل باطنی و خواست درونی و فطری بودن مسئله مهدویت است. زیرا فطرت، همان الهام و درک درونی و خواست طبیعی و تمایل باطنی انسان است که نیاز به دلیل ندارد و هر انسانی بدون دلیل و برهان آن را می پذیرد.^۱

۱. با اندکی تلخیص و تغییر از کتاب ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و ... صص ۵۸-۴۸

«... انتظار فرج و اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام یا واپسین منجی یک اشتیاق و میل باطنی است. اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده ظهور "رهاننده بزرگ" این خواسته و شوق درونی را بی پاسخ نگذاشته است...

آشفته‌گی اوضاع، ناامنی حاصل از آن و فشار و تبعیض و ستم در جامعه عقیده به "منجی بزرگ" را تشدید می‌نماید، آن چنان که این شوق دیرین و انتظار در لحظات فشار و اختناق، ضعف و تنگدستی، تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می‌شود و این شرایط، خرمن اشتیاق توده‌ها را برای ظهور "واپسین منجی" و مهدی موعود علیه السلام شعله‌ور می‌سازد.»^۱



مهدویت در اسلام

آشنایی با مذاهب شیعه اثنی عشری و اهل سنت

و بررسی دیدگاه هر یک در مورد مهدویت



مهدویت در اسلام

دین مبین اسلام به عنوان دین خاتم و آخرین و جامع ترین دین آسمانی، از نخستین روزهای طلوع، که غریبانه سر از افق مکه بیرون آورد و نمی توانست در زیر بار گران شکنجه های طاقت فرسای کفار قریش و مشرکان مکه کمر راست کند، با دیدی وسیع، عمیق و جدی به مسئله مهدویت و آینده بشر نگرسته و به مسلمانان نوید نیک فرجامی در آینده تاریخ داده است.

طبق متون اصیل اسلامی، رسول گرامی اسلام ﷺ در همان عصر غیبت و دوران تنهایی خویش و در روزگاری که هیچ کس باور نداشت که آیین توحید و یکتا پرستی از مرزهای جزیره العرب فراتر رود از پیروزی اسلام و آینده جهان و سرانجام بشر سخن می گفت.

شاهد صادق این گفتار آیات متعددی است که در قرآن کریم وارد شده و پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم السلام آن ها را به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و زمان ظهور آن حضرت تفسیر و تأویل نموده اند.^۱

از آن جمله به عنوان نمونه می توان به آیات شریفه زیر اشاره نمود:

سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴	سوره مبارکه انبیا، آیه ۱۰۵
سوره مبارکه صف، آیه ۹	سوره مبارکه نور، آیه ۵۵
و ... ^۲	سوره مبارکه قصص، آیه ۵

۱. ظهور مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و ...، ص ۶۲

۲. برای شناخت بیشتر و مفصل تر آیات قرآن کریم که به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام و امور مربوط به آن حضرت تأویل شده است به کتاب «سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن» نوشته سید جواد رضوی مراجعه فرمایید.

علاوه بر آیات متعدد قرآن کریم، روایات فراوانی از طریق اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و صحابه و تابعین و ائمه معصومین علیهم السلام درباره ظهور مبارک آن حضرت وارد شده است که در این روایات، ویژگی های شخصی و اوصاف و جزئیات زندگی آن یگانه مظهر قدرت خداوندی بیان گردیده است.^۱

در این بخش نیز با این فرض که خواننده محترم (مسلمان) در حد لازم با تاریخ، اصول و عقاید دین مبین اسلام آشنایی دارد، از بحث در این مورد صرف نظر شده و ضمن آشنایی با دو مذهب عمده اسلامی یعنی تشیع و تسنن به بررسی دیدگاه هر یک در مورد مهدویت و ظهور منجی بزرگ، پرداخته ایم.

۱. در این زمینه، مجموعه نفیسی به نام "منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام" توسط حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، تألیف شده که در آن جمعاً ۶۲۰۷ حدیث با ذکر مأخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر شیعه و سنی نقل شده است.

مذهب شیعه اثنی عشری

۱. آشنایی با مذهب شیعه اثنی عشری

قبل از اینکه، اعتقادات و پندارهای مذهب شیعه اثنی عشری و دیدگاه آنان راجع به مهدویت بیان شود، بهتر است به صورت خلاصه، تاریخچه پیدایش فرق اسلامی، (شیعه و سنی) را بررسی کنیم تا پیش زمینه ذهنی برای درک بهتر عقاید آنان فراهم گردد.

در عصر پیامبر مکرم اسلام ﷺ به دلیل دسترسی به وحی و حضور آن حضرت، اختلاف اعتقادی چندانی در میان مردم نبود و اگر احیاناً اختلافی هم پیش می آمد، با مراجعه به آن حضرت برطرف می شد. اما با رحلت ایشان و منقطع شدن وحی، اختلاف نظرها و به دنبال آن منازعات اعتقادی آشکار شد.

نخستین اختلاف اعتقادی مهم، بلکه مهم ترین و بزرگ ترین نزاع دینی در تاریخ اسلام، اختلاف بر سر امامت و خلافت پیامبر بود.^۱

پس از رحلت حضرت محمد ﷺ، در حالی که علی ابن ابی طالب علیه السلام به دستور پیامبر مشغول مراسم تدفین او بود، عده ای از مهاجرین و انصار در محلی به نام «سقیفه بنی ساعده» جمع شدند و به نزاع درباره شخص خلیفه و امیر پرداختند. انصار پیشنهاد کردند که یک امیر از آنها و یک امیر از مهاجرین برگزیده شود. اما ابوبکر با نقل حدیث «الائمة من قریش» امامت را در قبیله قریش منحصر کرد و پس از آن عمر بی درنگ با ابوبکر بیعت کرد و دیگران نیز بیعت کردند. اما گروه دیگری از مسلمین که در رأس آنها علی ابن ابی طالب علیه السلام و اصحاب خاص پیامبر همچون

۱. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۶ به نقل از: فرق الشیعه، ص ۲. مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۹. الملل

والنحل، ج ۱، ص ۲۴. تبصره العوام فی معرفت مقالات الانام، ص ۲۸. الايضاح، ص ۳.

سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، ابن مسعود و سهل بن حنیف با استناد به آیات قرآن و احادیث پیامبر، بر آن بودند که امام و خلیفه با «نص» از سوی خداوند تعیین شده است و رسول خدا ﷺ نیز بارها او را معرفی کرده است. از همین جا بود که امت اسلامی به دو فرقه اهل سنت و شیعه تقسیم شد.^۱

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی شیعه

شیعه در لغت به معنای پیروان و یاران است و بر مفرد و تثنیه و جمع و نیز بر مذکر و مؤنث به طور یکسان اطلاق می شود.^۲ در اصطلاح، شیعه به پیروان علی علیه السلام گفته می شود که معتقد به امامت و خلافت بلافصل او از طریق «نصب» و «نص» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند.^۳

۳. فرقه های شیعه

در کتاب های فرق و مذاهب، فرقه های متعددی برای شیعه ذکر شده است. (که بنا به نقل کتاب فرق الشیعه نوبختی و کتاب المقالات و الفرق سعد ابن عبدالله اشعری جمعاً ۱۵۳ فرقه هستند)^۴ و بسیاری از این فرقه ها به نام یک عالم یا متکلم شیعی است که اختلافات جزئی با یکدیگر داشته اند. مهم ترین فرقه هایی که برای

۱. فرق و مذاهب اسلامی، صص ۱۷-۱۶

۲. فرق و مذاهب اسلامی ص ۵۵ به نقل از: الصحاح، ج ۳، ص ۱۲۴۰. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۳۵. ترتیب کتاب العین، ج ۲، ص ۹۶۰

۳. فرق الشیعه، ص ۱۷. اوائل المقالات، ص ۱. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۴۶. کتاب التعریفات، ص ۵۷.

۴. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۳، ص ۱۱۳۳

شیعه ذکر شده است عبارتند از: غُلَات^۱، کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و امامیه (یا اثنی عشری).

اگر چه، امروزه در میان ما وقتی کلمه «شیعه» ذکر می شود، امامیه به ذهن خطور می کند، اما تعریف اصطلاحی شیعه، شامل زیدیه و اسماعیلیه نیز می شود.^۲

۴. امامیه یا شیعه اثنی عشری

امامیه یا شیعه اثنی عشری (یا شیعه دوازده امامی که پر جمعیت ترین فرقه شیعه می باشد)^۳ در اصطلاح به کسانی گفته می شود که گذشته از اعتقاد به امامت و خلافت بلافصل علی علیه السلام، پس از او حسن بن علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام و نه فرزند حسین علیه السلام را که آخرین آنها مهدی موعود (عج) و امام و غایب از دیده هاست، به امامت می پذیرند.^۴ و تعداد ائمه را به شمارشی که در آیات «و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً» (سوره مائده، آیه ۱۲) و آیه «و قطعناهم اثنی عشره اسباطاً امماً» (سوره اعراف، آیه ۱۶۰) و آیه «ان عدّة الشهور عندالله اثنا عشر شهراً» (سوره توبه، آیه ۳۶) آمده منطبق می دانند و به روایاتی که در کتب اخبار شیعه و سنی در مورد تعداد ائمه علیهم السلام بعد از پیامبر، که تعدادشان به ۱۲ نفر می رسند، استشهاد می کنند. از جمله آن روایات، روایت زیر می باشد:

۱. غُلَات گروهی هستند که در احترام بعضی از اشخاص (من جمله امام علی علیه السلام) زیاده روی (غلو) کردند و آنها را تا مقاماتی فوق مقامات بشریت بالا بردند.

۲. فرق و مذاهب اسلامی، ص ۶۲

۳. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۳، صص ۱۱۴۱-۱۱۳۳

۴. فرق الشیعه، ص ۱۰۸

قال رسول الله ﷺ: «الائمة من بعدى اثنا عشر، اولهم انت يا علي و آخرهم القائم الذي يفتح الله عزوجل على يديه مشارق الارض و مغاربها»^۱

(پیشوایان بعد از من ۱۲ نفرند، یا علی! اول آنها تو هستی و آخرشان قائم است که خداوند عزوجل به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح می کند.)
همچنین شیعه برای امام شرایط و ویژگی هایی قائل است:

۱. وجوب عصمت در امام.
۲. وجوب نصب امام از جانب خداوند.
۳. نصب امام از جانب خدا به وسیله پیامبر و یا کسی که پیامبر او را تعیین نموده است.
۴. پیامبر ﷺ برای خود، جانشین تعیین کرده و آن هم حضرت علی علیه السلام است.

شیعه در این باره به آیات ۳، ۵۵ و ۶۷ سوره مائده و نیز روایات مورد قبول فریقین شیعه و سنی تمسک و استدلال می کند.
مبانی فقهی آنان نیز قرآن، سنت، عقل و اجماع است و احادیث ایشان نیز در چهار کتاب زیر جمع آوری شده است: (کتب اربعه)

۱. کافی در ۷ جلد (چاپ جدید) از محمد بن یعقوب کلینی.
۲. تهذیب الاحکام در ۱۰ جلد (چاپ جدید) از محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی.
۳. الاستبصار در ۴ جلد (چاپ جدید) از محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی.

۱. ینابیع الموده، باب ۷۷ ص ۴۴۵، باب ۸۶ ص ۴۷۱، باب ۹۳ ص ۴۸۶ و باب ۹۴ ص ۴۹۳

۴. من لا یحضره الفقیه در ۴ جلد (چاپ جدید) از محمد بن علی بن حسین بابویه معروف به شیخ صدوق.

علاوه بر چهار کتاب فوق، کتاب های دیگری نیز در این زمینه حائز اهمیت هستند که از مهم ترین آنها بحار الانوار تالیف علامه محمد باقر مجلسی است.

۵. مهدویت از دیدگاه شیعه اثنی عشری

شیعیان اثنی عشری بر اساس روایات نقل شده در منابع شیعی عقیده دارند که موعود ایشان، آخرین امام از امامان دوازده گانه و فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام، امام یازدهم شیعیان، است و از این طریق نسبش به دختر پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا سلام الله علیها می رسد. این موعود، که مهدی علیه السلام نامیده می شود، سری از اسرار حق و رازی از رازهای نهفته خداوند و آخرین برگزیده الهی از خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که جهان پر از ستم و کینه، قحط و تهی دستی و تبهکاری را سامان می دهد.

به زعم شیعیان، مهدی علیه السلام پس از تولد از نظرها غایب شده است، اما پس از مدتی طولانی (غیبت کبری) ظهورش مسلم و قیامش قطعی است، حتی اگر از عمر دنیا فقط یک روز مانده باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده است: «یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی

اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی، یملاً الارض عدلاً كما ملئت جوراً فذلک هوالمهدی.»^۱

در آخر الزمان مردی از فرزندان من ظهور می کند که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است و زمین را از عدل پر می کند آن چنان که از جور آکنده بود و آن مهدی علیه السلام است.

همچنین در حدیث دیگری از رسول خدا نقل شده است که فرموده اند:

«لا تقوم الساعة حتی يقوم القائم الحق منا ...»^۱

قیامت بر پا نمی شود مگر تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند. بدین سبب در مذهب تشیع اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به قدری اهمیت دارد که در ردیف وقوع قیامت قرار گرفته و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«... من اطاعه اطاعنی و من عصاه عصانی و من انکره فی غیبته فقد انکرنی و من

کذبه فقد کذبنی و من صدقه فقد صدقنی.»^۲

آن کس که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر کس که با مخالفت ورزد با من مخالفت ورزیده و آن کس که در دوران غیبتش او را انکار کند مرا انکار کرده و هر کسی که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده و کسی که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است.

شیعیان درباره جزئیات زندگی حضرت مهدی علیه السلام معتقدند:

مهدی موعود علیه السلام تنها فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در شب پانزدهم شعبان

سال ۲۵۵ (به روایتی ۲۵۶) هجری در سامرا زاده شده و از تولدش جز خاصان خاندان

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵، ب ۱، ح ۲.

۲. همان، ص ۷۳، ب ۱، ح ۱۹.

امامت آگاهی نداشتند.

نامش محمد، کنیه اش ابوالقاسم یا به قولی ابوصالح است و برای او لقب های فراوانی یاد شده است که از آن جمله مهدی، مهدی منتظر، منصور، قائم، قائم بامرالله، حجة الله، خلیفة الله، ولی الله، صاحب الامر، صاحب الزمان، موعود، بقیة الله و ... مشهورترند.^۱

به اعتقاد شیعه، حضرت مهدی علیه السلام پس از شهادت پدرش و در سن ۵ سالگی به مقام امامت رسیده است و بعد از درگذشت پدر با عامه مردم در ارتباط نبوده و نوعی زندگی مخفی داشته است. ارتباط او با شیعیان نیز فقط از طریق نوایی بوده که خواست ها و پرسش های مردم را به پیشگاه او میبردند و از او جواب می گرفتند. شیعیان این دوره زندگی مخفی را که مدت ۶۹ سال و چند ماه به طول انجامید به دوران «غیبت صغری» تعبیر می کنند.

به زعم شیعه صاحب الزمان علیه السلام از سال ۳۲۹ هجری به امر پروردگار از انظار عموم پنهان شده و بدین ترتیب «غیبت کبری» آغاز شده است.^۲ شیعیان برای غیبت امام زمان علیه السلام فلسفه و دلایلی را نیز ذکر می کنند، من جمله: «امام غایب است تا شیعیان را ادب و مجازات کند و گواه این سخن گفتار اوست که فرمود: از شما و آنچه می خوانید کناره گیری می نمایم.»

۱. در این زمینه روایات بسیاری وجود دارد که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و یا ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده که امام دوازدهم همانام پیامبر صلی الله علیه و آله است و القاب آن حضرت نیز هر یک بر مبنای روایت یا حدیثی به آن حضرت نسبت داده شده است. برای آگاهی بیشتر می توانید به کتاب منتخب الاثر ص ۱۸۲ ب ۳ ح ۱، ص ۳۴۴ ح ۱۹ و ص ۴۶۸ ح ۱ مراجعه فرمایید.

۲. درباره دو غیبت آن حضرت (غیبت صغری از ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری و غیبت کبری از ۳۲۹ به بعد) همه مأخذ و کتب روایی شیعی، اشارات صریح و روشن دارند. در این مورد می توانید به کتاب منتخب الاثر ص ۲۵۱ ب ۲۶، که ده حدیث از کتب معتبر در این زمینه نقل شده مراجعه فرمایید.

(به استناد آیه ۴۸ سوره مریم : و أعتزلکم و ما تدعون ...)^۱

شیعه معتقد است که وجود امام و زنده بودنش امید را در دل مؤمنان زنده نگه می دارد و تأکید بر این نکته در سخنان ائمه علیهم السلام فراوان است و انتظار فرج و امید به قیام قائم ، عبادتی بزرگ است.

((از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرموده اند: «انتظار الفرج عباده»، یعنی انتظار فرج عبادت است.

از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد که: «ایّ الاعمال احب الی الله عزوجل؟ قال علیه السلام:

انتظار الفرج.»

« کدام یک از اعمال نزد خداوند نیکوتر است؟» فرمود: «انتظار فرج.»

همچنین روایت شده که فرموده اند: «انتظرو الفرج و لا تیأسوا من روح الله»

«منتظر فرج باشید و از روح [و رحمت] پروردگار هرگز مأیوس و نا امید

نشوید.»^۲

به عقیده شیعه ، هیچ کس از تاریخ دقیق و معین ظهور اطلاعی ندارد و در روایات و احادیث متعدد، کسانی که برای ظهور تاریخ مشخصی تعیین می کنند، سرزنش شده اند.

«در همین زمینه از حضرت صادق علیه السلام پرسیده اند: آیا برای ظهور مهدی علیه السلام

وقت معینی هست که خلائق بدانند؟ ایشان فرموده اند: حاشا ... وقت ظهورش ساعتی

است که خدای تعالی در کتاب خود فرموده؛ ویسئلون عن الساعة، قل انما علمها عند ربی»^۳

(به استناد آیه ۱۸۷ سوره اعراف.)

۱. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۴۸.

۲. مهدویت و آینده بشر، ص ۱۱ زیرنویس.

۳. نجات بخشی در ادیان، ص ۲۱۴.

اما در عین حال برای ظهور آن حضرت علائم و نشانه ها و وقایعی ذکر شده که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

خروج سفیانی، خروج یمانی، نداها و علامت های آسمانی، آمدن و خروج شخص گمراهی به نام دجال، نزول عیسی علیه السلام از آسمان به زمین، نماز گزاردن عیسی علیه السلام پشت سر او، بیدار شدن اصحاب کهف از خواب و آمدن به نزد او، افتادن نسخه اصلی تورات - انجیل و تابوت سکینه (که در دست موسی علیه السلام بوده) به دست او، نفاق و بد بینی، ظلم و ستم، هرج و مرج و ...^۱

علاوه بر نشانه های خاصی که کتب علائم الظهور بدان ها به طور مفصل اشاره نموده اند، شیعیان طبق وعده های انبیای سلف علیهم السلام و نویدهای کتب مذهبی و وعده های صریح قرآن کریم عقیده دارند که حضرت مهدی علیه السلام هنگامی قیام خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد نمود، که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت بریندد و ظلم و ستم فراگیر شود و اسباب ظهور محیا گردد.

در این زمینه حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

«لتملئن الارض ظلماً و جوراً حتی لا یقول احد "الله" الا مستخفياً ثم یأتی الله بقوم صالحین یملئونها قسطاً و عدلاً.»^۲

۱. در کتاب المیزان فی تفسیر القرآن جلد ۵ صص ۳۹۷-۴۰۰، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ضمن نقل حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام به ذکر علائم الظهور پرداخته است. همچنین در کتاب ارشاد شیخ مفید نیز به نقل از بحار الانوار صفحه ۵۰۳ به علائم الظهور اشاره شده و مؤلف کتاب "رسالت جهانی حضرت مهدی علیه السلام" در فصل سوم، صص ۲۷۱-۴۰۶ به صورت مفصل و مستدل به این موضوع پرداخته است.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۴.

(زمین پر از جور و ستم می شود که کسی نتواند نام خدا را به زبان جاری کند مگر در پنهانی. آنگاه خداوند قوم صالح و شایسته ای را می آورد که زمین را پر از عدل و داد نماید.)

همچنان که شیعیان طبق آیات و روایات، برای دوران قبل از ظهور به ویژگی ها و شرایطی خاص قائل هستند، بر اساس اقوال، احادیث و روایات وارده برای دوران بعد از قیام و ظهور صاحب الزمان علیه السلام نیز خصوصیات بر می شمارند.

به عقیده شیعه با ظهور ولی خدا و آمدن موعود مکتب ها و رهایی بخش انسانها هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند، بلکه همه مکاتب و حکومت های مقتدر زمان از بین رفته و متلاشی می گردند.

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلك فأولئک هم الفاسقون»^۱

"خدا کسانی را از شما که [به خدا و رسول] ایمان آورده اند و کار های شایسته کرده اند وعده داده آنها را [در زمان ظهور و پیدایش دولت حقه امام زمان (عج)] در روی زمین خلیفه و جانشین [غالب و چیره] گرداند، چنانچه آنان [مؤمنین و گرویدگانی] را که پیش از ایشان بودند خلیفه و جانشین [کفار و منافقین] گردانید، و هر آینه دین و آیینشان که برای ایشان بر گزیده برای آن ها غالب و چیره نماید، و پس از ترس و بیمشان آسودگی به آنان دهد [پس در آن هنگام با آسودگی] مرا عبادت و بندگی می نمایند در حالی که چیزی را شریک من نمی گردانند، و هر که پس از آن وعده کافر شود و روی گرداند پس آن گروه همان تبهکارانند و از راه حق بیرون رفته اند"

مرزهای جغرافیایی بین کشورها برداشته می شود، مظاهر شرک، کفر، الحاد و بی عدالتی، از بین می روند، عدالت اجتماعی تأمین می گردد و هر حقی به صاحب حق می رسد. همگان در رفاه و آسایش زندگی می کنند، از ظلم و ستم و بی عدالتی خبری نیست و در سر تا سر جهان هستی تنها یک نظام، حکومت می کند و آن هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است.

مذهب اهل سنت

۱. آشنایی با مذهب اهل سنت

همان طور که در بخش دوم این فصل بیان شد مذهب اهل سنت بعد از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ، در جریان کودتای سقیفه و با بیعت جمعی از صحابه با ابوبکر به وجود آمد.

پیروان این مذهب معتقد به وجود نصّ بر امام و خلیفه رسول خدا ﷺ نیستند و تعیین خلیفه و امام را بر عهده مسلمانان و به انتخاب مردم می دانند زیرا اساس پیشش اهل سنت بر این دو نکته مبتنی است:

۱- امامت از مسائل دینی نیست و از امور دنیوی است و پیامبر نه برای حکومت بر مردم بلکه برای ابلاغ دین و اصول شریعت اسلامی برانگیخته شده بود، مسئله امامت را که به انتظام امور دنیوی مربوط می شود به اختیار و انتخاب خود مسلمانان واگذار کرده و به حدیثی از پیامبر استناد می کنند که فرموده است: «أنتم أعلم بشئون دنیاکم» (شما به شئون دنیایتان دانا ترید).

۲- سکوت پیامبر ﷺ در این امر اساسی، کمال حکمت و دور اندیشی بوده است چون پیامبر ﷺ می دانست که جامعه اسلامی مانند سایر اجتماعات بشری در حال تحول و تغییر است از این رو نخواست که مسلمانان را با نظام خاصی مقید کند بلکه انتخاب نوع حکومت را به امت واگذار کرد تا مطابق مصلحت و اوضاع و احوال اجتماعی حکومت مورد نظر را انتخاب کنند.^۱

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی اهل سنت

واژه "اهل سنت" به معنای پیرو یا پیروان سنت (قول، فعل و تقریر) پیامبر اسلام ﷺ است. البته این مفهوم به خودی خود شامل همه مسلمانان می شود، چرا که اولین نشانه مسلمانان، (بعد از اعتقاد به وحدانیت خداوند) پیروی از پیامبر اسلام ﷺ می باشد. اما این کلمه در اصطلاح معنای خاص خود را دارد که یکی از شایع ترین آنها، معنایی است که در مقابل اصطلاح شیعه به کار می رود. به این معنا، اهل سنت شامل فرقه هایی می شود که معتقدند تعیین خلیفه و امام بر عهده مسلمانان و به انتخاب مردم می باشد.

بر این اساس همه فرقه های مسلمان غیر از فرقه های شیعه از فرق اهل سنت به شمار می روند.

همچنین نویسنده کتاب «دبستان المذاهب» در معنای اهل سنت و جماعت می گوید:

«اینان ده چیز را سنت و جماعت می دانند و می گویند هر کس این ده را به جا آورد سنی است:

۱. فاضل دانستن ابوبکر و عمر بن خطاب.
۲. دوست داشتن دو داماد پیامبر را یعنی عثمان و علی بن ابی طالب (ع).
۳. محترم داشتن دو قبله را. (مکه و بیت المقدس)
۴. مسح بر کفش پس از وضو.
۵. پرهیز از قضاوت و شهادت این دو چیز: نگوید که فلانی حقیقتاً بهشتی است یا جهنمی.

۶. در نماز به دو امام جماعت نماز گذارد یعنی هم به امام صالح و هم به امام فاسق. (به استناد به این حدیث جعلی منسوب به پیامبر (ص): صلّوا خلف کلّ برّ و فاجر.)
۷. اعتقاد به اینکه گفتار و کردار خوب و بد انسان از طرف خدوند است.
۸. نماز بر جنازه مطیع و گناه کار.
۹. انجام نماز و دادن زکات.
۱۰. اطاعت سلطان و امام خواه جائز باشد و خواه عادل.^۱

۳. فرقه های اهل سنت

اهل سنت نیز همانند شیعه به فرق گوناگونی تقسیم شده است. اما در عصر حکومت عباسیان، علمای این فرق که هر کدام مریدان و پیروان زیادی هم داشتند گاهی با آراء گوناگون در مسائل مهم مخصوصاً قضا، فتاوی مختلفه ارائه می دادند که با احکام صادره از طرف قضات دربار تضاد پیدا می کرد و از طرفی فراوانی فرق با آراء مختلف علاوه بر ایجاد تشّت و اختلاف به نفع هیئت حاکمه نبود. از این جهت دولت عباسی بر آن شد که از میان آن همه مجتهدان تنها ۴ نفر از آنها را به عنوان صاحبان فتوا برگزیدند و آنان عبارت بودند از ابوحنیفه - مالک - شافعی و احمد حنبل. حکومت عباسی این چهار فقیه را به عنوان فقهای مذهب اهل سنت و جماعت که تقلیدشان برای همیشه ضرورت دارد به مردم معرفی کرد و مذهب فقهی آنان را رسمیت داد.^۲

۱. دبستان المذاهب، ج ۲، صص ۹۹-۹۶

۲. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۳، ص ۱۱۷۲

اما در یک تقسیم بندی دیگر، اهل سنت به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. اصحاب حدیث.

۲. اصحاب رأی.

اصحاب حدیث که مردم حجاز می باشند، عبارتند از پیروان مالک ابن انس،

محمد بن ادریس شافعی، سفیان ثوری، زید بن هارون، احمد بن حنبل و ...

این گروه را به جهت اینکه نسبت به اخبار و روایات نظر ویژه ای را از خود

نشان می دهند، اهل حدیث گفته اند، این گروه احکام شرع را مبتنی بر نص قرآن و

روایات می دانند و از هرگونه قیاس و امثال آن خودداری می کنند.

اهل حدیث به ۵ گروه تقسیم می شود:

۱. داوودیه. ۲. شافعیه. ۳. حنبلیه. ۴. مالکیه. ۵. اشعریه.

اصحاب رأی از مردم عراق و از پیروان ابوحنیفه هستند که احکام شرع را از

طریق قیاس و مانند آن بدست می آورند.^۱

معروفترین دانشمندان و محدثین اهل سنت نیز عبارتند از:

۱. امام احمد حنبل، متوفای سال ۲۴۱ هجری قمری، معاصر امام نهم و

دهم علیهم السلام.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری، نامی ترین محدث اهل سنت و معاصر امام

حسن عسکری علیه السلام.

۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای سال ۲۶۱ هجری قمری.

۴. ابن ماجه قزوینی، متوفای سال ۲۷۵ هجری قمری.

۵. ابو داوود سیستانی، متوفای سال ۲۷۵ هجری قمری.

۱. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۳، ص ۱۱۸۸، به نقل از الملل والنحل شهرستانی، ج ۱، ص ۳۶۱

۶. محمد بن عیسیٰ ترمذی، متوفای سال ۲۷۹ هجری قمری.

شناخته شده ترین کتب روایی که احادیث اهل سنت از آنها نقل می شود نیز به "صحاح سته" معروفند که عبارتند از:

۱. صحیح بخاری ۲. صحیح مسلم ۳. سنن ابو داوود سیستانی

۴. سنن ابن ماجه قزوینی ۵. سنن محمد بن عیسیٰ ترمذی

۶. سنن ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب معروف به نسائی.

۴. مهدویت از دیدگاه اهل سنت

ایمان و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام به قدری اصیل و ریشه دار و با اهمیت است که از دیدگاه دانشمندان و بزرگان اهل سنت نیز - مانند شیعیان - یکی از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می رود و منکر آن از آیین اسلام بیرون است.

در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:

« من کذب بالمهدی فقد کفر »^۱

« هر کس مهدی علیه السلام را انکار کند به راستی کافر است. »

۱. منتخب الاثر، ص ۱۴۹. عقد الدرر، ص ۱۵۷.

گروهی از علمای اهل سنت به این مضمون فتوا داده اند و در این باب، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، در کتاب "ینابیع الموده" از کتاب "فرائد السمطین" از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

« من انکر خروج المهدي فقد كفر بما انزل علی محمد ﷺ »^۱

« هر کس ظهور مهدی علیه السلام را انکار کند، به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کفر ورزیده است. »

احادیث حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر کتب شیعه در بسیاری از کتب معروف اهل سنت نیز آمده است. در اکثر این کتاب ها، از اوصاف و خصوصیات نسبی و زندگی حضرت مهدی علیه السلام، علائم ظهور، محل بیعت، تعداد اصحاب، مکان ظهور و دیگر ابعاد مربوط به آن حضرت نیز سخن رفته است.

به علاوه در ۳۵ کتاب از کتب این دانشمندان تصریح شده که مهدی علیه السلام فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام است و حتی عده زیادی از آنها اعتراف کرده اند که این احادیث (یعنی احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام) از احادیث مشهور یا از احادیث متواتر است.

اکنون نمونه هایی از این احادیث را که در معتبرترین کتب روایی اهل سنت آمده است، نقل می کنیم:

۱- در کتاب "مسند احمد بن حنبل" که کهن ترین و معتبرترین مدرک حدیث اهل سنت می باشد، مجموعاً ۱۳۶ حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام روایت شده است؛ وی در کتاب خود از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند که فرمود:

۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸. فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴.

« ابشركم بالمهدی، یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل، فیملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً یرضی عنه ساكن السماء و الارض، یقسم المال صحاحاً... و یملا الله قلوب امّة محمد ﷺ غنیّ و یسعهم عدله حتی یأمر منادياً فیقول: من له فی مال حاجة؟ فما یقوم من الناس الاّ رجلاً، فیقول: إئت السادن - یعنی الخازن - فقل له: انّ المهدی یأمرک أن تعطینی مالاً، فیقول له: احث حتی اذا جعله فی حجره و ابرزه ندم فیقول: كنت أشجع امّة محمد ﷺ نفساً أو عجز عنی ما وسعهم.

قال: فیرده فلا یقبل منه فیقال له: انا لا نأخذ شیئاً أعطیناه.»^۱

«شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می دهم، او در میان امت من برانگیخته می شود، ظهور وی پس از اتلاف زیاد و تزلزل و عدم امنیت خواهد بود. پس از ظهور، زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. ساکنان آسمان ها و زمین از او راضی می شوند و اموال را به طور صحیح تقسیم می کنند... خداوند دل‌های پیروان محمد ﷺ را پر از بی نیازی می کند و عدالت مهدی علیه السلام همه جا را فرا می گیرد، تا آنجا که دستور می دهد کسی با صدای بلند اعلام کند: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد. هیچ کس اظهار نیاز نمی کند به جز یک نفر.

امام دستور می دهد نزد خزانه دار برود و به او بگوید: مهدی علیه السلام به تو فرمان می دهد که مالی را در اختیار من قرار دهی.

خزانه دار می گوید: بگیر، و دامن او را پر می کند. چون در اختیار او قرار می گیرد پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص شده است، لذا مال را

بر می گرداند، ولی خزانه دار نمی پذیرد و می گوید: ما آنچه را که بخشیدیم پس نمی گیریم.»

همچنین امام احمد حنبل در مسند خود از ابو سعید خدری نقل می کند:
 «قال رسول الله ﷺ: تملئ الارض ظلماً و جوراً، ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعاً - او تسعاً - فيملئ الارض قسطاً و عدلاً.»^۱

«پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هنگامی فرا می رسد که زمین پر از ظلم و جور شود، آن وقت مردی از خاندان من قیام می کند و هفت - یا نه - سال در روی زمین حکومت می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید.»

۲- "محمد ابن اسماعیل بخاری" نامی ترین محدث اهل سنت - با همه تعصبی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشته است - در کتاب "صحیح" خود (کتاب الاحکام) از ابوهریره نقل می کند:

«قال رسول الله ﷺ: كيف انتم إذا نزل ابن مریم فيكم و امامكم منكم؟»^۲

«پیامبر اکرم ﷺ فرمود: چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم علیه السلام در میان شما نازل شود و امام شما از میان خود شما باشد.»
 به علاوه، بخاری در همان کتاب خود، در قسمت "کتاب الانبیاء" باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام، از همکاری حضرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است.

۳- "مسلم بن حجاج نیشابوری"، یکی دیگر از محدثین اهل سنت، با اینکه مانند "بخاری" اصرار دارد تا نامی از حضرت مهدی علیه السلام نبرد، در کتاب "الفتن و اشراط

۱. مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۳۳، ب ۹۴۵، ح ۱۶۰۱.

الساعة" و باب نزول عیسی علیه السلام از کتاب صحیح خود، که دومین کتاب "صحاح" اهل سنت به شمار می رود، قسمتی از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده است. من جمله، از ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

« یكون في آخر الزمان خليفة يقسم المال و لا يعدّه »^۱

«در آخر الزمان خلیفه ای می آید که مال را - به طور مساوی - تقسیم می کند و آن را نمی شمارد.»

همچنین از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

« یكون في آخر امتی خليفة یحیی المال حیاً ، لا يعدّه عدداً. »^۲

« در پایان روزگار امت من ، خلیفه ای می آید که مانند سیل بخشش می کند و آن را نمی شمارد.»

۴- "ابن ماجه قزوینی" نیز در کتاب سنن خود که آن نیز یکی از کتب صحاح اهل سنت است، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بخش مخصوصی به نام "باب خروج المهدي علیه السلام" آورده است. وی از قول علی بن ابی طالب علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدي منّا اهل البيت، یصلحه الله فی لیلته»^۳

« مهدی از ما اهل بیت است، و خداوند یک شبه او را آماده قیام می کند.»

و نیز ابن ماجه در سنن خود آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۶۹

۲. همان، ح ۶۷

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدي علیه السلام، ح ۴۰۸۵

« ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای این دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است. همانا اهل بیت پس از من دچار آوارگی، سختی و گرفتاری خواهند گردید، تا اینکه گروهی از مشرق برخیزند که با خود پرچم های سیاه دارند، آنها حق (و یا خیر) را می طلبند که به آنها داده نمی شود، پس می جنگد و پیروز می شوند و هر چه بخواهند به آنها داده می شود ولی آنها نمی پذیرند - وزیر بار نمی روند - تا اینکه حکومت را به دست مردی از اهل بیت بسپارند که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد. پس هر که آن زمان را دریابد به سوی آنان بشتابد، هر چند چهار دست و پا بر روی برف و یا یخ به سوی آنان برود.»^۱

۵- ابو داوود سیستانی نیز در کتاب سنن خود - که از کتب صحاح سته می باشد - روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بخشی از آن کتاب به عنوان «کتاب المهدی علیه السلام» بیان داشته است.

وی از ابی الطفیل از علی علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

« لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی، یمثلها عدلاً کما ملئت

جوراً»^۲

« اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر

انگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد.»

همچنین از ابو سعید خدری نقل می کند:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدی علیه السلام ح ۴۰۸۲ و ۴۰۸۷.

۲. سنن ابو داوود، ج ۲، ص ۲۰۷.

« قال رسول الله ﷺ : المهدي متى ، أجلي الجبهة ، أقتي الانف ، يملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ، يملك سبع سنين. »^۱

« پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مهدی از من است پیشانی‌ش باز و نورانی ، و بینی اش کشیده و باریک است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده است، هفت سال حکومت می‌کند. »

۶- محمد بن عیسی ترمذی در کتاب سنن خود - که آن هم یکی از کتب صحاح است - در کتاب «الفتن» ، باب ما جاء فی المهدي عليه السلام « روایات مربوط به حضرت مهدی عليه السلام را روایت نموده است.

وی در کتاب " الجامع الصحيح " معروف به "سنن ترمذی" از عبدالله بن عمر از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

« لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطىء اسمه اسمي. »^۲

« دنیا به آخر نمی‌رسد تا اینکه مردی از اهل بیت من دنیا را مالک شود، او همانم من است. »

همچنین از ابو هریره نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

« لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي رجل من اهل بيتي يواطىء اسمه اسمي. »^۳

« اگر به پایان دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به حدی طولانی می‌سازد تا مردی از اهل بیت من که همانم من است زمام امور را به دست بگیرد. »

۱. سنن ابو داوود، ج ۲ ، کتاب المهدي عليه السلام

۲. سنن ترمذی، ج ۴ ، ص ۵۰۵ ، کتاب الفتن ، باب ما جاء فی المهدي عليه السلام (ب ۵۲) ، ح ۲۲۳۰ .

۳. همان ، ح ۲۲۳۱

این شش محدث نامی اهل سنت که سرآمد همه محدثان و دانشمندان آنها می باشند، روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام از : عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ثوبان، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، انس بن مالک، ابو سعید خدری، ام سلمه - همسر پیامبر صلی الله علیه و آله - و غیر اینها نقل کرده اند.^۱

همچنین اسامی کامل ۲۶ تن از صحابه، که احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده اند در مقاله «شیخ عبدالمحسن عباد» از شخصیت های برجسته و علمی اهل سنت حجاز و استاد دانشگاه مدینه در مجله «الجامعة الاسلامیه» شماره سوم مورخ ذوالقعدة ۱۳۸۸ هجری صص ۱۶۴-۱۲۶ درج شده است.^۲

علاوه بر این شش محدث اهل سنت، ۳۸ تن دیگر از محدثین آنان نیز احادیث و آثار وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام را در کتاب های خود آورده اند.^۳

علمای اهل سنت، فقط به نقل روایات راجع به حضرت مهدی علیه السلام در صحاح خود و دیگر کتب معتبر دیگر اکتفا نکرده اند، بلکه گروه زیادی از شخصیت های برجسته ایشان اعتراف کرده اند که این احادیث «مشهور» یا «متواتر» است.

به عنوان مثال «محمد شبلنجی» دانشمند معروف مصری در کتاب «نورالابصار»، «شیخ محمد صبان» در کتاب «اسعاف الراغبین»، «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح

۱. با تغییر و تلخیص، اقتباس از کتاب ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ... ، صص ۷۶-۶۸

۲. این مقاله تحت عنوان «عقیده اهل السنة والائثر فی المهدی المنتظر (علیه السلام)» در کتاب مصلح جهانی توسط مولف محترم ترجمه شده است.

۳. اسامی این ۳۸ نفر در کتاب مصلح جهانی صص ۱۱۰-۱۰۸ آمده است.

الباری»، «ابن حجر هیشمی مکی» در کتاب «الصواعق المحرقة»، «ابو الطیب سید محمد صدیق حسینی بخاری قنوجی هندی» در کتاب «الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة»، «شیخ منصور علی ناصف» از دانشمندان معروف جامع «الازهر» در کتاب «التاج الجامع للاصول» و «احمد زینی دحلان» دانشمند معروف حجاز و مفتی بزرگ مکه در کتاب «الفتوحات الاسلامیه» تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را پذیرفته اند و به طور جدی از آن دفاع می کنند و آن را از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می دانند.

در این مورد حتی فرقه ضالّه وهابیت نیز که از تندروترین گروه های اسلامی اهل سنت به شمار می روند، با سایر فرق مسلمین اتفاق نظر دارند.^۱

۱-۴. متن کامل بیانیه علمای حجاز در مورد «مهدی منتظر علیه السلام»

برای تأیید این گفتار، متن کامل بیانیه علمای حجاز را که از طرف «رابطة العالم الاسلامی» - مرکز مهم دینی وهابیهها - در پاسخ سؤال یک نفر مسلمان از اهالی کنیا صادر شده است از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

« بعد التحية؛

جواباً عما يسئل عنه المسلم الكيني، في شأن المهدي المنتظر، عن موعد ظهوره، و عن مكان الذي يظهر منه و عن ما يطمئنه عن المهدي عليه السلام :

هو محمد بن عبدالله، الحسنی العلوی الفاطمی المهدي الموعود المنتظر. موعد خروجه في آخر الزمان و هو من علامات الساعة الكبرى يخرج من المغرب و يبایع له في الحجاز في مكة

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ... صص ۱۲۴-۱۲۱.

المكرمة بين الركن و المقام، بين باب الكعبى المشرقة والحجر الاسود عند الملتزم. و يظهر عن فساد الزمان و انتشار الكفر و ظلم الناس، يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً. يحكم العالم كله و تخضع له الرقاب بالاقناع تارة و بالحرب اخرى. و سيملك الارض سبع سنين و ينزل عيسى عليه السلام من بعده و يقتل الدجال أو ينزل معه فيساعده على قتله بباب لدّ بأرض فلسطين. و هو آخر الخلفاء الراشدين الاثنى عشر الذين أخبر عنهم النبي - صلوات الله و سلامه عليه - في الصحاح. و احاديث المهدي واردة عن الكثير من الصحابة يرفعونها الى رسول الله (ص) و...

و قد نصّ على أنّ احاديث المهدي، أنّها متواتره جمع من الاعلام قديماً و حديثاً، منهم السخاوى في «فتح المغيث» ... و نصّ الحفاظ و المحدّثون أنّ احاديث المهدي فيها الصحيح و الحسن. و مجموعها متواتر مقطوع بتواتره و صحّته. و أنّ الاعتقاد بخروج المهدي واجب، و أنّه من عقائد اهل السنّة و الجماعة، و لا ينكرها إلا جاهل بالسنّة و مبتدع في العقيدة.»^۱

ترجمه:

« پس از ادای سلام، این پاسخ سؤال مسلمان «کنیایی» است که از مهدی منتظر و هنگام ظهور او و محل ظهورش پرسش نموده است. مهدی، محمد بن عبدالله حسنی، علوی و فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است. موقع ظهور وی در آخر الزمان است و ظهورش از نشانه های قیامت می باشد.

۱. همان، به نقل از کتاب «البيان» گنجی شافعی که همراه با «احاديث المهدي من مسند احمد بن حنبل» در سال ۱۴۱۵ هـ. ق توسط مؤسسه نشر اسلامی در قم چاپ شده است.

از غرب ظاهر می شود، و در حجاز در مکه مگرمه بین «رکن و مقام» با آن حضرت بیعت می نمایند.

هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد، او ظهور می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان در برابر او سر تعظیم فرود خواهند آورد و همگی تسلیم وی خواهند شد، یا به میل و دلخواه یا با نبرد.

او تمام روی زمین را مالک خواهد شد، و حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور او، از آسمان فرود می آید و «دجال» را می کشد و یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می آید و حضرت مهدی علیه السلام را بر کشتن «دجال» بر در دروازه «لد» در سرزمین فلسطین، یاری می دهد.

مهدی علیه السلام آخرین خلفای را شدین دوازده گانه است که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها خبر داده است و در صحاح اهل سنت آمده است.

احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را بسیاری از «صحابه» از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که از جمله آنهاست: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب علیه السلام، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمان بن عوف، عبدالله بن عباس، عمّار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابو سعید خدری، ثوبان، قرّة بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و امّ سلمه.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر علیه السلام از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده و آنچه را که صحابه پیامبر با اعتماد به گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کرده اند در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله اعم از سنن، معاجم و مسانید

آمده است که از آن جمله است: سنن ابو داوود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابی عمرو الدانی، مسند احمد و ابن یعلی، و بزار، صحیح حاکم، معجم طبرانی و رویانی و دارقطنی و ابونعیم در کتاب «اخبار المهدی» و خطیب در «تاریخ بغداد» و ابن عساکر در «تاریخ دمشق» و غیر اینها.

و بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی علیه السلام کتاب های ویژه ای نوشته اند که از آن جمله است:

ابونعیم در کتاب «اخبار المهدی»، ابن حجر هیثمی در کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، ادریس عراقی مغربی در کتاب «المهدی»، ابو العباس بن عبد المؤمن المغربی در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون» و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام متواتر است، از آن جمله است:

سخاوی در کتاب «فتح المغیث»، محمد بن احمد سفارینی در کتاب «شرح العقیده»، ابوالحسن آبری در کتاب «مناقب الشافعی»، ابن تیمیه در کتاب فتاوایش، سیوطی در کتاب «الحاوی»، ادریس عراقی در تألیفی که درباره مهدی دارد، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، محمد بن جعفر کنانی در «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر» و ابو العباس بن عبدالمؤمن در کتاب «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون».

و این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را با حدیثی مجعول و ساختگی و بی اساس که می گوید: « لا مهدی إلا عیسی؛ مهدی جز عیسی نیست» مورد ایراد قرار داده است. ولکن بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند. و به خصوص، ابن عبدالمؤمن که در رد گفتار او کتاب ویژه ای به نام «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام شامل احادیث صحیح و حسن است و مجموع آنها متواتر و صحت آنها قطعی است. بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است و جزء عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعت گزار، منکر آن نخواهد بود.»

۲-۴. توضیحی پیرامون بیانیه علمای حجاز

مطالب بیانیه مزبور آن چنان صریح و گویاست که نیازی به توضیح اضافی ندارد، زیرا مدارک لازم در این بیانیه آن چنان گردآوری شده که هیچ کس را یارای انکار آن نیست.

تنها تفاوت مهمی که این بیانیه با عقیده شیعه دارد این است که در این بیانیه نام پدر حضرت مهدی علیه السلام، عبدالله ذکر شده است در حالی که در کتب شیعه نام پدر بزرگوار آن حضرت به طور مسلم امام حسن عسکری علیه السلام است.

سرچشمه این اختلاف آن است که در بعضی از روایات اهل سنت مانند روایتی که ابو داوود سیستانی در کتاب سنن خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده جمله «اسم ایسه

اسم ابی؛ نام پدرش - حضرت مهدی علیه السلام - نام پدر من است»، آمده است در حالیکه قراین نشان می دهد که این جمله در اصل «اسم ایبه اسم ابنی؛ اسم پدرش، اسم فرزندم» بوده است که منظور اسم امام حسن مجتبی علیه السلام است و بر اثر اشتباه در نقطه گذاری به این صورت درآمده است.

این احتمال را گنجی شافعی نیز در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» تأیید کرده است.

گذشته از اینکه روایات قطعی و متواتر از طرق اهل بیت علیهم السلام گواهی می دهند که نام پدر حضرت مهدی علیه السلام، «حسن» است عده دیگری از علمای اهل سنت مانند محی الدین عربی در کتاب «فتوحات مکیه»، عبدالوهاب شعرانی در کتاب «یواقیت و جواهر» (مبحث ۶۵)، محمد بن طلحه شافعی در کتاب «مطالب السئول» و ابن صباغ مالکی در کتاب «الفصول المهمه» و افراد دیگری این معنی را تأیید نموده و به مهدی موعود پسر امام حسن عسکری علیهم السلام اعتراف کرده اند.^۱

به هر حال آنچه از مجموع منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق و اجماع مسلمین است؛ از این رو، در هر عصری کتاب هایی در مورد مسائل مختلف مهدویت نوشته شده به طوریکه هم اکنون بیش از پنجاه جلد کتاب مستقل از علمای اهل سنت درباره حضرت ولی عصر علیه السلام در دسترس قرار دارد که این خود نشانه اهمیت مسئله مهدویت است.

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام...، صص ۱۲۹-۱۲۸

۵. تعداد روایات وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام

روایاتی که درباره مهدی موعود علیه السلام و صفات و جزئیات زندگی آن مصلح جهانی، از پیامبر و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده است و علمای شیعه و سنی آنها را در منابع معتبر خود آورده اند، بیرون از شمارش است، از این رو فقط فهرست قسمتی از آنها را از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

۱. در مورد این که حضرت مهدی علیه السلام نامش، نام مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله (محمد) و کنیه اش، کنیه شریف پیامبر صلی الله علیه و آله (ابوالقاسم) است، ۴۸ حدیث نقل شده است.

۲. در مورد این که حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام و آخرین پیشوا است، ۱۳۶ حدیث آمده است.

۳. در مورد این که حضرتش دهمین فرزند امیر مؤمنان علی علیه السلام است، ۲۱۴ حدیث وارد شده است.

۴. در مورد این که آن حضرت از فرزندان حضرت فاطمه سلام الله علیها است، ۱۹۲ حدیث ذکر شده است.

۵. در مورد این که وی، نهمین فرزند حضرت امام حسین علیه السلام است، ۳۰۸ حدیث بیان شده است.

۶. در مورد این که او، فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام و از صلب آن حضرت است، ۲۹۳ حدیث نقل شده است.

۷. در باب ولادت با سعادت حضرتش، ۲۹۳ حدیث آمده است.

۸. راجع به عمر شریفش که بسیار طولانی است ۳۱۸ حدیث نقل شده است.

۹. در مورد این که مدت زیادی از انظار غایب و پنهان خواهد بود، ۹۱ حدیث آمده است.

۱۰. در مورد این که غیبت حضرتش به دو غیبت صغری و کبری منقسم می گردد، ۱۰ حدیث ذکر شده است.
۱۱. در مورد اینکه آیین وی همان آیین مبین اسلام و کتابش قرآن است، ۱۵ حدیث آمده است.
۱۲. در مورد اینکه وی جهانیان را به دین مبین اسلام دعوت می نماید و در تمامی روی زمین حکومت واحد جهانی بر اساس قانون اسلام تشکیل می دهد، ۴۷ حدیث نقل شده است.
۱۳. در مورد اینکه وی زمین را از کفر و شرک پاک می نماید، ۱۹ حدیث وارد شده است.
۱۴. در مورد اینکه ایمان و امنیت واقعی در حکومت عادلانه اش حکم فرما خواهد گردید، ۷ حدیث آمده است.
۱۵. در مورد اینکه در دوران حکومت عدالت پیشه او، جهان آباد خواهد گردید و عقول مردم کامل تر خواهد شد، ۵ حدیث نقل شده است.
۱۶. در مورد اینکه وقت ظهورش بر احدی از آحاد مردم معلوم نیست و هر کس وقت تعیین کند دروغگوست، ۷ حدیث آمده است.
۱۷. در مورد اینکه حضرت عیسی علیه السلام در نماز به وی اقتدا می کند، ۲۹ حدیث بیان شده است.
۱۸. در مورد اینکه برای ظهور مبارک آن حضرت، علائم و نشانه هایی خواهد بود که پیش از ظهور مبارکش به وقوع خواهد پیوست، ۶۵۷ حدیث آمده است.
- و...



مهدویت در ادیان آسمانی

آشنایی با چند دین آسمانی

و بررسی دیدگاه هر یک در مورد مهدویت



دین زرتشت

۱. آشنایی با آیین زرتشتی

یکی از مذاهب در ایران در دوره باستان، «زردشت» یا «زرتشت» است، زرتشتیان به نام هایی چون گبر، مجوسی و پارسی خوانده می شوند. کلمه " گبر " در زبان سریانی به معنای کافر است و از جانب دیگران به آنان اطلاق گردیده است. واژه "المجوس" نیز در عربی اسم جنس جمعی (شبه الجمع) و مفرد آن مجوسی است. عنوان "المجوس" در قرآن کریم (سوره حج آیه ۱۷) آمده است.

اکثر علمای اسلام، زرتشتیان را از اهل کتاب به شمار آورده اند و احادیثی هم در این باب موجود است.^۱

پیامبر این آیین؛ زرتشت، در حدود سال ۶۶۰ پیش از میلاد متولد شده است. نام پدر او «پوروشسب» (یعنی دارنده اسب پیر) و نام مادرش «دغدو» (یعنی دوشنده گاو ماده) بوده است. گرچه طبری - مورخ مشهور جهان اسلام - زرتشت را از فلسطین می داند اما قول معروف آن است که وی ایرانی و اهل آذربایجان بوده و محلّ برانگیختگی او بالای کوهی نزدیک دریاچه ارومیه بوده است. (آب دریاچه مذکور در کتاب های مذهبی زرتشتیان مقدس شمرده شده است.)^۲

۱. نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۵۵ و ۵۶.

۲. همان، ص ۵۴.

نام او "زرواستر" و اصل آن "زراتشتر" یعنی دارای شتران زرد یا صاحب کهن اشتران می باشد.^۱

گفته شده که او مدت هفت سال در دوران جوانی به مراقبه پرداخته و این زمان طولانی را درون غاری بالای یک کوه گذرانده و سرانجام در سن ۳۰ سالگی مکاشفه ای به وی دست داده و خود را پیامبری از جانب «اهورامزدا» - خداوند آیین زرتشت - خوانده است. او سپس به تبلیغ فرامین الهی پرداخته و عده ای از بستگانش نیز به او ایمان آوردند.

پس از آن، زرتشت در یکی از شهرهای شرق ایران به دربار پادشاه آن دیار یعنی «ویشتاسپ» راه یافت و مدت دو سال تلاش کرد تا این پادشاه را به دین خود در آورد. مداخله و اشکال تراشی روحانیون درباری - مغان - سرانجام به زندانی شدنش انجامید، اما پس از اینکه معجزاتی از خود نشان داد، پادشاه به او ایمان آورد و دینش را پذیرفت. بیست سال آخر زندگی زرتشت تحت حمایت ویشتاسپ به گسترش آیین مزدیسنا (زرتشتی) سپری شد و سرانجام در سال ۵۸۳ قبل از میلاد و در سن (هفتاد یا هفتاد و هفت سالگی در اثر هجوم اقوام شرقی - تورانیان - در شهر بلخ (افغانستان) و توسط یک سرباز تورانی در برابر محراب آتش و هنگامی که به عبادت مشغول بود به قتل رسید.^۲

۲. اصول دین و عقاید آیین زرتشت

۳. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۱، ص ۳۳۲.

۱. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۱، ص ۳۳۷. نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۵۵.

دینی که این پیامبر تعلیم نموده، یک آیین اخلاقی بود و بر وحدانیت اهورامزدا بنا گردیده بود که بعدها به سوی ثنویت خیر و شر و نور و ظلمت سوق داده شد، اما در حال حاضر زرتشتیان خود را موحد می دانند.

دین زرتشت دارای ارزشهای اخلاقی است و سه اصل «پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک» زیربنای فرامین رفتار اجتماعی آنان را تشکیل می دهد^۱ و به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نیز توجه دارد.

تقدس آب، گاو، قنات و سبزه و درخت نشان دهنده این واقعیت است که دین زرتشت مبتنی بر خصوصیات زندگی کشاورزی است.

احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگه داشتن آن و انجام مراسمی خاص در اطراف آن در معابدی به نام «آتشکده» مشخص ترین ویژگی این آیین است.^۲

دین زرتشت، نخستین دینی است که در جهان از مسئله حیات عقبی و مسئله قیامت سخن به میان آورده و مسئله آخرالزمان را مطرح کرده است.^۳

۳. کتب مقدس آیین زرتشت

از زرتشت سروده هایی برجای مانده که «گات ها» یا «گاهان» خوانده می شود. این منظومه خود قسمتی از «یسنا» است که به همراه «یشت ها»، «ویسپرد»،

۱. البته مانند آن را در ادیان دیگر نیز می بینیم. از جمله در اسلام آمده است: «قال رسول الله (ص): الايمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاركان» (خصال شیخ صدوق، باب خصال سه گانه، ص ۱۷۶، ح ۲۰۷).

۲. برخی از آداب و رسوم فعلی ایرانیان مانند مراسم چهارشنبه سوری و سوگند خوردن به روشنایی چراغ و ... از بقایای اندیشه های زرتشت است.

۳. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۱، صص ۳۳۹-۳۲۹.

«خرده اوستا» و «وندیداد»، کتاب مقدس زرتشتیان یا «اوستا» ی کنونی را تشکیل می دهد.

البته نظر غالب پژوهشگران بر این است که بقیه بخش های اوستا پس از زرتشت به آن افزوده شده است.^۱

اما به گفته برخی دیگر از محققان، کتاب اوستا، حدود ۸۰۰ سال پس از مرگ زرتشت تدوین یافته و در خزانه «دارا بن دارا»، پادشاه ایران بوده که طلا کاری شده و بر دوازده [هزار] پوست گاو نوشته شده بود، ولی اسکندر مقدونی در جریان حمله به ایران، این نسخه ها را سوزاند. از این زمان اوستا معدوم شد و به اندازه سه پنجم آن به کلی از بین رفت و امروزه دو قسمت آن در دست زرتشتیان است.^۲

زرتشتیان از نظر فقهی و آداب و مناسک دینی نیز - علاوه بر اوستا - متون جانبی مفصلی در دست دارند که بیانگر طهارات و نجاسات و قوانین ازدواج و طلاق و تجارت و... و یا به تعبیری حلال و حرام است.^۳

دیگر کتب مقدس در این آیین عبارتند از:

«کتاب زند، جاماسب نامه، داستان دینیک و زراتشت نامه.»

۴. فرقه های دین زرتشت

با توجه به اینکه آیین زرتشتی هم از سرنوشت محتوم سایر ادیان یعنی «تحرزب» و فرقه فرقه شدن در امان نمانده، اما با این حال هم اکنون جامعه زرتشتیان در دو

۱. مهدویت در اسلام و دین زرتشت، ص ۱۵ به نقل از تاریخ جامع ادیان صص ۴۵۵-۴۵۶.

۲. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۳۴ به نقل از آثارالباقیه ص ۳۰۰.

۳. مهدویت در اسلام و دین زرتشت، ص ۱۵.

کانون ایرانی و هندی فعال اند و مراکز متعددی در سایر کشورهای جهان تحت پوشش خود دارند که عموماً به صورت یکپارچه و متحد عمل می کنند.

۵. مهدویت از دیدگاه دین زرتشت

بسیاری از پیروان دین زرتشت این باور را پذیرفته اند که بر طبق متون مقدس آنها، فرد یا افرادی در آخرالزمان ظهور می کند و آیین زرتشت را که دچار تغییر و تحول و سختی بسیار می شود، احیا خواهد کرد که از او با عنوان «موعود مزدیسنا» یاد می شود.

نظر به اینکه مهم ترین سند تاریخی هر آیینی کتاب مقدس آن است در این قسمت به بررسی اشارات مربوط به موعود آخرالزمان در کتاب اوستا می پردازیم. البته قبل از آن ذکر چند نکته در مورد اوستا ضروری است:

بخش اول کتاب اوستا یعنی «گات ها»، جنبه خاص و محبوب دارد که سایر بخش ها از آن بی بهره اند زیرا تنها «گات ها» سروده های زرتشت اند که علاوه بر وجهه آسمانی و الهی، به واسطه شخص پیامبر زرتشت املا شده اند^۱ و مابقی اوستا تنها جنبه الهی داشته و ما ترک زرتشت محسوب نمی شوند.^۲

نکته دیگر اینکه، درباره کتاب های مقدس، پژوهشگران همواره با مسئله تأویل، تفسیر و تحریف دست به گریبانند. این مسئله در تاریخ ادیان امری شایع است و چه بسا عبارتی از متن مقدس به صورت های مختلف و حتی متضاد ترجمه و تفسیر شود.

۱. مهدویت در اسلام و دین زرتشت، ص ۲۲ به نقل از تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۳۵

۲. همان به نقل از اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، ج ۱ ص ۱۳

در خصوص وعده ظهور منجی آخرالزمان در اوستا نیز باید گفت که متأسفانه کتاب اوستا در طول قرون متمادی دچار صدمات بسیار شده و حجم فعلی آن بسیار کمتر از حجم اصلی آن است. اما مطالب در اوستای موجود تا اندازه ای هست که بتواند ابهامات بسیاری را در مورد وجود و ظهور منجی های آیین زرتشت برطرف نماید.

فرد یا افرادی که پیروان آیین زرتشت به ظهور آن ها معتقدند، در اوستا با نام «سوشیانت» یا «سوشیانس» شناخته می شوند و این واژه غالباً به معنی «رهاننده» تعبیر می شود.^۱

واژه «سوشیانس» از ریشه «سو» یا همان «سود» به معنی بهره و منفعت گرفته شده که به مفهوم سود رسان است. در کتاب اوستا آمده است:

« او را از این جهت سوشیانت (سوشیانس) خوانند که به جهان مادی منفعت و سود می رساند.»^۲

در مجموعه اوستا، واژه «سوشیانس» چه به صورت جمع و چه مفرد به دفعات استفاده شده و در اوستای نو (یعنی کل مجموعه اوستا منهای گات ها) تعداد رهاندگان در سه نفر خلاصه شده اند.

این سه نفر به ترتیب به نام های «اوخشیت ارته» (Evakhshit Ertah) به معنای کسی که قانون مقدس را می پروراند، «اوخشیت ننگه» (Evakhshit Namangah) به

۱. گات ها (گاتاها)، ص ۱۰۹. پاورقی اوستا، ص ۵۸

۲. اوستا، بخش فروردین یشت، فقرة ۱۲۹

معنای کسی که نماز را بر پا می‌دارد و «استوت ارته» (Estvat Ertah) به معنای کسی که همه از پرتو او به زندگی فنا ناپذیر می‌رسند یاد شده است.^۱

اما لفظ «سوشیانس» ظاهراً به طور خاص متعلق به نفر سوم یعنی «استوت ارته» بوده و گاهی به صورت عام در مورد هر سه ایشان استفاده می‌شود.^۲

به عقیده زرتشتیان، موعودهای مزدیسنا هر یک پس از ظهورشان مدتی از میان قوم خود غایب شده و نزد خداوند تشریف می‌یابند و احتمالاً به اخذ اسرار الهی و رموز دینی دعا و مناجات به درگاه پروردگار و مکالمه با او روزگار می‌گذرانند و پس از انقضای این مدت بازگشته و قیام خویش را آغاز می‌کنند.^۳

در کتب مقدس زرتشتی برای ظهور موعودهای مزدیسنا علائمی نیز ذکر شده است، در کتاب اوستا در این مورد آمده است:

«باشد که فرَوهرهای نیکان به زودی در اینجا به دیدار ما آیند، باشند که آنان به یاری ما بشتابند، باشد که ما را به هنگامی که در تنگنا هستیم با پشتیبانی آشکار نگهداری کنند، با پشتیبانی بسان اهورامزدا ...»^۴

بدین سان، منجی‌ها که به رهانندگی موسوم اند باید زمانی ظهور نمایند که جهان گرفتار پنجه قهر اهریمن شده باشد، مانند خود زرتشت که در زمان فساد و طغیان اهریمن برانگیخته شد.

۳. سوشیانس، ص ۱۵. اوستا، بخش فروردین یشت، صص ۱۲۹-۱۲۸.

۱. سوشیانس، ص ۷.

۲. اساطیر ایران باستان، ص ۹۶.

۳. اوستا، بخش فروردین یشت، فقره ۱۴۶.

اما از نشانه های کلی ظهور موعودها می توان به تغییر نور خورشید و وقوع زمین لرزه اشاره کرد.^۱

در بخش گات ها نیز نویدهایی در مورد ظهور منجی بزرگ و سیطره جهانی او آمده است:

« و هنگامی که سزای این گناه کاران فرا رسد پس ای مزدا! کشورت را «بهمن» در پایان بر پا کند از برای کسانی که دروغ را به دست های راستی سپرند و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند.»^۲

باز در بخش دیگری از گات ها تحت عنوان "بامداد روز" نوید ظهور منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد چنین آمده است:

« کی ای فردا بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیرد، با آموزش های فزایش بخش پُر خرد رهاندگان، کیانند آنانی که بهمین به یاریشان خواهد آمد از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا.»^۳

نویسنده کتاب "بشارات عهدین" پس از آنکه این دو بشارت را از گات ها نقل کرده چنین می نویسد:

« مترجم گات ها در پاورقی، بهمین را - که در این دو بشارت پرچمدار نهضت آخرین معرفی شده - نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهورا مزدا تفسیر کرده و روی این دو اصل، توضیح این دو فراز از گات های زرتشت از این قرار است:

۴. شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، ص ۱۰۶.

۱. اوستا، بخش گات ها، بند ۸.

۲. همان، بند ۹.

در پایان جهان، پیش از رستاخیز عمومی آغاز سزای گناه کاران است که به دست توانای نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی، به سزای این جهانی خود خواهند رسید. این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دست های راستی سپرده و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده اند.

حقاً آن زمان درخشان، بامداد روز است که صبح دولت حقه الهیه دمیدن گیرد و دین راستین - آیین ابدی آخرین - سراسر جهان را فراگیرد، آیینی که تمامی آموزش های پیامبران الهی در آن نمودار است و آن یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی، تمامی آموزش های صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.^۱

در کتاب زند نیز که از کتب مقدسه زرتشتیان است پس از آنکه مقداری پیرامون شیوع فساد در آخرالزمان گفتگو کرده و گوشزد می کند که غالباً قوت و شکوه با اهریمنان خواهد بود، می گوید:

« آنگاه از طرف اهورامزدا به ایزدان یاری می رسد، پیروزی بزرگ از آن یزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند ... بعد از پیروزی ایزدان و بر انداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.»

در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ) خبر داده و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گوید:

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ... ص ۳۵۲ به نقل از بشارات عهدین، صص ۱۱-۱۰.

« نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه دنیا پیام می فرستند. »^۱

آنگاه به مقاومت شریران در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

یکی دیگر از کتب مقدسه زرتشتیان "جاماسب نامه" است که متعلق به فردی به نام "جاماسب" است. جاماسب در ادبیات عرب و ایران به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است و پیش گویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً وی حکیمی ستاره شناس بوده است.

علامه دهخدا در کتاب «لغت نامه» راجع به وی می نویسد: «نامه ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام آن فرهنگ ملوک و اسرار عجم است و عنوان آن به نام گشتاسب شاه است و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده.

گویند: پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی علیه السلام سرخ شبان با هودار و حضرت مسیح علیه السلام را پیغمبر خرنشین که از او به نام مادر، باز خوانند و از حضرت رسول عربی به «مهرآزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، والله اعلم بالصواب»^۲

۲. او خواهد آمد، ص ۱۰۸

۱. لغت نامه دهخدا، ص ۶۴۶۹، ستون ۱.

مؤلف کتاب «بشارات عهدین» نیز پس از آنکه بشارتی را از کتاب جاماسب نقل می‌کند، ذیل کلمه جاماسب در پاورقی چنین می‌نویسد:

«صاحبان سیر و تواریخ می‌نویسند: ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط آدم علیه السلام بوده، وی مدتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده و مدتی هم شاگرد «چنکر مکهاجه» هندی بوده است.

وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال [آینده را] پیش بینی نموده و قبرش در خفرک فارس است.^۱

جاماسب در کتاب خود، ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می‌کند، در مورد پیامبر گرامی اسلام (ص) و دولت جاودانه مهدی علیه السلام و رجعت گروهی از اموات ... چنین می‌گوید:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه های مکه پیدا شود و شتر سوار شود و قوم او شتر سواران خواهند بود و با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند و او را سایه نباشد و از پشت سر مثل پیش رو ببیند و دین او اشراف ادیان باشد و کتاب او باطل گرداند همه کتاب ها را و دولت او تازیک - یعنی پادشاهی - عجم را بر باد دهد و دین مجوس و پهلوی را برطرف کند و نار سدیر و آتش کده ها را خراب کند و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان.»

آنگاه درباره ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام چنین گوید:

«و از فرزندان دختر آن پیامبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیامبر باشد در میان دنیا که مکه باشد، و دولت او تا به قیامت متصل باشد و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود و آسمان

جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوه ها برطرف شود و اهریمن کلان را که ضد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد.

و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلایق را به یزدان بخواند و زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان و نیکان را جزا دهد و بدان را سزا دهد و بسیاری از خوبان و پیغمبران زنده شوند و از بدان گیتی و دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند و از پادشاهان اقوام خود را زنده گرداند که فتنه ها در دین کرده باشند و خوبان بندگان یزدان را کشته باشند و همه متابعان اهریمن و تبهکاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد...

و ظهور او در آخر دنیا باشد ... و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند و شهرهای عمان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او خروج کند و جنگ کند و دجال را ... بکشد... و برود و قسطنطنیه را بگیرد و علمهای ایمان و مسلمانی در آن جا برپا کند و عصای سرخ شبانان باهودار (که موسی علیه السلام باشد) با او باشد و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد و جن و انس و دیوان و درندگان در فرمان او خواهند بود ... و همه جهان را یک دین کند و دین گیری و زرتشتی نماید و پیغمبران خدا و حکیمان و پرزادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادهای و مردان سفید رویان در خدمت او باشند ...^۱

همچنین موافق برخی از مضامین بشارات گذشته در مورد ویژگیهای ظاهری و ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام، چنین می گوید:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود، با سپاه بسیار، روی به ایران نهاد و آبادانی کند

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ... ، ص ۳۵۲-۳۵۳ ، به نقل از لمعات النور، ج ۱ ، ص ۲۵-۲۳ .

و زمین را پر داد کند و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد. و مردم بسیار شوند و عمر دیگر بار به درازی کشد ... و همه کس به دین مهرآزمای (یعنی حضرت محمد ﷺ) باز آیند و جور و آشوب از جهان برخیزد، ... و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم.^۱

هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب توضیح می دهد:

«سوشیانس، دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.»^۲

اعتقاد به ظهور سوشیانس در میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست های جنگی و فراز و نشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند.

شاهد این مطلب این که، در جنگ قادسیه، پس از درگذشت رستم فرخ زاد، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد - آخرین پادشاه ساسانی - با افراد خانواده خود آماده فرار می شد، به هنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:

«هان ای ایوان! درود من بر تو باد. من هم اکنون از تو روی بر می تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است، به سوی تو برگردم.»

۲. بشارات عهدین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه.

۱. او خواهد آمد، ص ۱۰۸ به نقل از جاماسب نامه، صص ۱۲۱ و ۱۲۲.

سلیمان دیلمی می گوید: من به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود: «او مهدی موعود علیه السلام و قائم آل محمد علیه السلام است که به فرمان خداوند در آخرالزمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد.»^۱

با توجه به اینکه «شهربانو» مادر امام سجاد علیه السلام - بنابر قول مشهور - دختر یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می شود که او واقعاً (از طرف مادری) یکی از اجداد امام زمان علیه السلام می باشد.

۲. بحار الانوار ج ۵۱، ب ۱۱، ص ۱۶۴. مقتضب الاثر، ص ۴۰ و الملاحم والفتن ص ۱۹۸ به نقل از مناقب ج ۸.

دین هندوئیسم

۱. آشنایی با آیین هندوئیسم

آیین هندوئیسم در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ص بنیاد نهاده شده است. در هندوستان ادیان و مذاهب مختلفی رواج دارد، اما مهم ترین و پرطرفدارترین آنها دین هندویی است.

این آیین، از بدو ظهور تا کنون، تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته و مجموعه ای از افکار، اساطیر، دستورات و افسانه ها است که در طی قرون و ادوار به وسیله تعالیم برهمنان، وضع و استقرار یافته است.

آیین هندو در قدیم، دین برهمایی خوانده می شد که به برهما - خدای هندوان - اشاره می کرد.

هندوئیسم شکل تکامل یافته آنیمیسم (جان پرستی)^۱ است و به همین دلیل بنیانگذار آن شناخته شده نیست.

۱. آنیمیسم (Animism) یا جان پرستی، آیین باستانی بسیاری از اقوام گذشته بوده است و بر اساس آن، همه مظاهر طبیعت، روح دارند و برای بهره برداری از آنها باید به نیایش و سپاس و ستایش آنها پرداخت. (آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۲۱).

۲. اصول دین و عقاید آیین هندوئیسم

این آیین گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است. اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به کتاب های باستانی و سنت های دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ^۱ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو، نیز از اصول و مبادی هندوئیسم است.^۲

هندوان به عده بی شماری از خدایان آسمانی و زمینی با اسما و صفات عجیب و غریب معتقدند و به آنها احترام می گذارند و برای هر یک بت خانه های با شکوهی

۱. سمسارا (Samsara) به معنای تناسخ، در بسیاری از ادیان و مذاهب جهان (حتی نزد برخی از فرقه های منحرف اسلامی) با عناوین گوناگون، وجود داشته و دارد. اما این عقیده، در آیین هندو از اهمیت بیشتری برخوردار است. طبق عقاید هندوان، آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره های بازگشت مجدد خود در این جهان می بیند. کسانی که کار نیک انجام داده اند در مرحله بعد زندگی مرفه و خوشی دارند و آنان که کار بد می کنند، در بازگشت با بی نوایی و بد بختی دست به گریبان خواهند بود و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند.

به عقیده برخی از تناسخیان بازگشت انسانها ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد:

۱. رسخ: یعنی حلول روح شخص بعد از مرگ در جمادات (اشیاء).

۲. فسرخ: یعنی حلول روح شخص بعد از مرگ در نباتات (گیاهان).

۳. مسرخ: یعنی حلول روح شخص بعد از مرگ در حیوانات.

۴. نسرخ: یعنی حلول روح شخص بعد از مرگ در انسان ها.

البته در مورد تناسخ اخبار بسیاری وجود دارد ولی ائمه معصومین علیهم السلام از تناسخیان اظهار تبری کرده و آنان را تکفیر نموده است. (آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۴۰)

می سازند. به همین سبب محققین تاریخ ادیان، دین هندوئیسم را جزء ادیان فلسفی غیر توحیدی تقسیم بندی می کنند.^۱

۳. کتب مقدس آیین هندوئیسم

ادعیه و آیین های هندوان در مجموعه ای به نام «وداها» (Vedas) (به معنای دانش)، به زبان سانسکریت گرد آمده است. آنان عقیده دارند که این ادعیه وحی و الهام است و آنها را علوم مقدس موروثی لقب می دهند.

بر این اساس چهار ودا وجود دارد:

۱. ریگ ودا (Rig - Veda) یعنی ودای ستایش.
۲. یَجور ودا (Yajur - Veda) یعنی ودای قربانی.
۳. سام ودا (Sama - Veda) یعنی ودای سرود ها.
۴. اَتَهرو ودا (Atharva - Veda) یعنی ودای اَتَهروان. (نام نویسنده این ودا).

کتابهای مقدس دیگری نیز در میان پیروان آیین هندوئیسم دارای ارزش و احترام هستند که از آن جمله می توان به اوپانیشاد، باسک، شاکمونی، پاتیکل، وشن جوک، دید و ... اشاره نمود.

۴. فرقه های آیین هندوئیسم

در دین هندوئیسم فرقه های متعددی وجود دارد که دو فرقه اصلی آن، خدایانی چون «ویشنو» (خدای خالق) (یا نجات دهنده) و «شیوا» (خدای منهدم کننده) را می پرستند و حداقل ۵۹ فرقه فرعی دیگر نیز نوعی خدای شخصی را ستایش می کنند.

۵. مهدویت از دیدگاه آیین هندوئیسم

در کتابهای مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتب آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها بدین ترتیب است:

۱. در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع دین هندو به شمار می رود، بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

«این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد، ظاهر می شود و شیران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد ... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^۱

۱. اوپانیشاد، ترجمه محمد داراشکوه (از متن سانسکریت)، ج ۲، ص ۶۳۷.

با اندک تأملی در جملات فوق، مشخص می شود که مقصود از «مظهر ویشنو» همان وجود مقدس امام زمان علیه السلام است؛ زیرا طبق روایات متواتر اسلامی، آن حضرت در آخرالزمان و در پایان جهان ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد و تمامی جباران و ستمگران را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت ایشان، جهان آفرینش نوینی خواهد داشت.

در این زمینه اخبار و احادیث بسیار زیادی در کتب شیعه و سنی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده است :

در کتاب منتخب الاثر از قول ابو سعید خدری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ابشروا بالمهدی فانه یأتی فی آخرالزمان علی شدة و زلازل یسع الله له الارض عدلاً و قسطاً.»^۱

«مژده باد شما را به ظهور مهدی که او در آخرالزمان به هنگام سختی روزگار و فتنه و اختلاف و عدم امنیت می آید و خداوند به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل می نماید.»

همچنین بر اساس روایات فراوان، تنها کسی که از امامان معصوم علیهم السلام برای تأسیس خلافت اسلامی و حکومت واحد جهانی قیام می کند و شمشیر می کشد و مخالفان ستیزه جو را سرکوب می نماید و در مبارزه حق علیه باطل پیروز می شود، حضرت مهدی علیه السلام است.^۲

۱. منتخب الاثر، الفصل الثانی، ب ۱، ح ۸۸.

۲. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام ...، ص ۲۷۷.

در این زمینه روایات بسیاری در منابع معتبر شیعه و سنی از رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده من جمله حدیث زیر که از محمد بن مسلم روایت شده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«... و اما شبهه من جدّه المصطفی فخر وجه بالسيف و قتله اعداء الله و اعداء رسوله و الجبارین و الطواغیت و انه ينصر بالسيف و الرعب و انه لا ترد له رأية...»^۱

«... مهدی علیه السلام از این لحاظ با جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله شباهت دارد که با شمشیر قیام کند و دشمنان خدا و رسول و ستمکاران و طاغوتیان را به قتل می رساند و به وسیله شمشیر و ترس - در دل دشمنان - نصرت می یابد و هیچ یک از پرچمهایش شکست خورده بر نمی گردد.»

۲. در کتاب باسک، که یکی دیگر از کتب مقدسه هندیان است، بشارت ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام چنین آمده است:

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد، همه را بدست آورد^۲ و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.»^۳

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ب ۱۳ (ما فیہ من سنن الانبیا)، ص ۲۱۷، ح ۶.

۱. در این مورد نیز احادیث فراوانی آمده است من جمله از حضرت محمد صلی الله علیه و آله روایت شده که فرموده اند: «وتخرج له الارض افالید کبدها» زمین، جگر و باطن خود را برای حضرت مهدی علیه السلام آشکار می سازد. (بشارات عهدین، پاورقی ص ۲۴۶) و در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام روایت شده که فرموده اند: «... وتظهر له الكنوز...» تمام گنجها [ی عالم] برای او آشکار می شود. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ب ۲۶، ح ۶).

۲. بشارات عهدین، ص ۲۴۶.

۳. در کتاب پاتیکل که از کتب مقدسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعظم کفره هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

« چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی « ناموس آخرالزمان » و دیگری « صدیق اکبر ».

یعنی وصی بزرگتر که « پشن » نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه، « راهنما » است، به حق، پادشاه شود و خلیفه « رام » باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام.

و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان « ناموس اکبر » زیاده باشد و آخر دنیا به او تمام شود و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر بابا آدم علیه السلام و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند و بتخانه « سومنات » را خراب کند و جگر نات به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد و هر بتی که در هر جا باشد بشکند.^۱

از آنجا که در این بشارت، الفاظ و تعابیر نامفهومی به کار رفته است، بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می دهیم^۲:

۱. بشارت عهدین، ص ۲۴۶، به نقل از کتاب زبدة المعارف، ذخیره الالباب و تذکرة الاولیاء .

۲. توضیحات به نقل از کتاب بشارت عهدین، پاورقی صص ۲۴۶ و ۲۴۷ و کتاب ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام ... ص ۲۹۴ آورده شده است.

۱. مقصود از «ناموس آخرالزمان» ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم، حضرت محمد ﷺ است.
۲. پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.
۳. صاحب ملک تازه، آخرین حجت خداوند حضرت صاحب الزمان علیه السلام است و راهنما، نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام می باشد.
۴. کلمه «رام» به لغت سانسکریتی نام خداوند است.
۵. این جمله «هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام.» صریح است در این که، حضرت مهدی علیه السلام جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می کند.
۶. سومنات بنا به نوشته علامه دهخدا، در کتاب لغت نامه، بتخانه ای بوده است در گجرات و گویند سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد و منات را که از بت های مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند این لغت هندوی است که مفرس شده و آن نام بتی بود و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است = نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را گویند و «نات» تعظیم است.^۱
۷. «جگرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.
۸. «جوک»، رهبر جوکیان هندو (که هندیان او را پیامبر می دانند) در کتاب «وشن جوک»، درباره بشارت ظهور ولی عصر علیه السلام آورده است:

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۹، صص ۱۳۸۴۹ و ۱۳۸۵۰.

« آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند و هر بدی را سزا دهد و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند. »^۱

دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به محمد و محمود ترجمه می شود و این هر دو اسم مبارک حضرت مهدی علیه السلام می باشد.^۲

اما تعیین مدت دولت حضرت مهدی علیه السلام و همچنین تفسیر کرور به چهار هزار سال با روایات اسلامی و اصطلاحات ریاضی توافق ندارد، زیرا در روایات اسلامی، مدت حکومت آن حضرت به طور قطع مشخص نیست. در تعریف کرور نیز علامه دهخدا در لغت نامه خود آورده است که «کرور ایرانیان پانصد هزار و کرور هندیان به نقل از قزوینی و ابن بطوطه برابر بیست کرور ایرانی یعنی ده میلیون است.»^۳

۵. در کتاب «دید» نیز که از کتب مقدسه هندیان به شمار می رود بشارت ظهور مبارک امام زمان علیه السلام چنین آمده است:

۱. بشارات عهدین، ص ۲۷۲.

۲. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ...، ص ۲۹۵.

۳. لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۲۹۹.

« پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد برآید. »^۱

در برخی از روایات اسلامی، ائمه معصومین علیهم السلام، «منصور» را یکی از اسامی حضرت مهدی خوانده اند و آیه شریفه «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل ائمه کان منصوراً»^۲ را به آن حضرت تفسیر نموده اند.^۳

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه «ومن قتل مظلوماً» فرموده است: مقصود از این آیه امام حسین علیه السلام است و مراد از این قسمت آیه «فلا یسرف فی القتل» حضرت مهدی علیه السلام است که در قتل اسراف نمی کند، همانا خداوند مهدی را منصور نامیده است، همان طوری که احمد را محمد نامیده و همانطوری که عیسی را مسیح نامیده است.^۴

۶. در کتاب «داد تگ» که از کتب مقدسه برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت قائم علیه السلام چنین آمده است:

« بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخرالزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند و رعیت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و

۴. بشارات عهدین، ص ۲۴۵. او خواهد آمد، ص ۱۰۳.

۱. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ص ۱۵۳.

عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید و جانسین آخر «ممتا»^۱ ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا و بسیار کسان را بکشد و خلائق را هدایت کند و آن در حالتی باشد که ترکان امیر مسلمانان باشند و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند.^۲

۷. در کتاب «ریگ ودا» که یکی از کتب مقدسه هند است، بشارت ظهور ولی عصر علیه السلام چنین آمده است:

«ویشنو^۳ در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است... در یک دست ویشنو شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد. هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید.»^۴

در این بشارت از ظهور و علائم ظهور فردی سخن گفته شده که با شمشیری که به سان ستاره دنباله دار است قیام می کند و این تعبیر، تعبیر دقیق و لطیفی است که مضمون آن در رابطه با ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام در احادیث اسلامی نیز آمده است.

۴. ممتا در زبان هندی به معنی «محمد» است.

۱. او خواهد آمد، ص ۱۰۴.

۲. ویشنو در زبان هندی به معنای نجات دهنده است.

۳. او خواهد آمد، ص ۱۰۲. به نقل از ریگ ودا ماندالای ۴، ۱۶ و ۲۴.

در این زمینه، در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه شریفه « و لنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم يرجعون »^۱ فرموده است:

« الادنی غلاء السعیر و الاکبر المهدی بالسیف »

(عذاب نزدیکتر [یا عقیف تر] گرانی است و عذاب بزرگتر خروج حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر است.)^۲

۸. در کتاب شاکمونی که از کتب مقدسه هندیان است و به اعتقاد آنان، پیغمبر صاحب کتاب می باشد، بشارت ظهور آخرین حجت خدا چنین آمده است:

« پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلیق دو جهان « گشن » بزرگوار تمام شود و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا سرزمین تسعین که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده باشد و خداشناس باشد. »^۳

« گشن » ، در لغت هندی نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و « ایستاده » نیز همان « قائم »

است که شیعیان حضرت مهدی علیه السلام را به این لقب یاد می کنند.

۴. سوره سجده ، آیه ۲۱ .

۱. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ص ۱۸۷ به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، ب ۳، ح ۶۴۶ .

۲. بشارات عهدین ، ص ۲۵۹ و او خواهد آمد ، ص ۱۰۲ .

دین یهود

۱. آشنایی با آیین یهود

یهودیت، دینی است که با اینکه پیروان زیادی در میان ادیان زنده جهان ندارد، به جهاتی بیش از بسیاری از ادیان دیگر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. این دین کهن ترین دین از ادیان بزرگ سامی یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام است؛ ادیانی که به سبب انتساب به حضرت ابراهیم علیه السلام، گاه ادیان ابراهیمی نیز خوانده می شوند.

دین یهود از جهاتی مورد توجه مسلمانان نیز بوده است، چرا که انبیا و بزرگان دین یهود در سنت اسلامی و متون مقدس آن مورد توجه و احترام بوده اند و اسلام منشاء این دین را الهی دانسته و برای آن اعتبار و اصالت زیادی قایل است.^۱ حضرت موسی علیه السلام پیامبر دین یهود به شمار می رود و همچنان که در تاریخ آمده است، سر سلسله دودمانی که موسی علیه السلام در میان آنها پا به هستی گذاشت به یعقوب علیه السلام می رسد.

حضرت یعقوب علیه السلام ملقب به اسرائیل^۱ بوده است و فرزندان ایشان را نیز به جهت انتساب به یعقوب علیه السلام بنی اسرائیل می نامیدند.

بنی اسرائیل دوازده سبط بودند (رؤبن، شمعون، لاوی، یهودا، یساکار، زبولون، گاد، آشیر، دان، نفتالی، یوسف و بنیامین) و نسب موسی علیه السلام از سبط «لاوی» به یعقوب می رسد.

نام پدر و مادر موسی علیه السلام در قرآن ذکر نشده است اما بر حسب روایات تورات، نسب وی تا یعقوب که چهارمین جد آن بزرگوار به حساب می آید این گونه است:

«موسی بن عمران بن قهاث بن لاوی بن یعقوب»
 نام مادر آن حضرت نیز «یوکابد» بوده است.^۱

حضرت موسی علیه السلام در خلال سخت ترین شرایط زندگانی قوم بنی اسرائیل در مصر و در زمان حکومت «رامسس دوم» - ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح - به دنیا آمده است. (البته قبل از تولد آن حضرت نیز عمران دارای دو فرزند دیگر به نامهای مریم و هارون بوده است.)^۲

نام «موسی» در زبان عبری، «موشه» است و برخی از محققین آن را «بیرون کشنده» و عده ای نیز «بیرون کشیده شده» معنی کرده اند.^۳ و در تاریخ آمده است که آسیه، همسر فرعون این نام را بر حضرت موسی علیه السلام نهاده است.^۴

حضرت موسی علیه السلام در سنین جوانی و در جریان یک نزاع منجر به قتل، مجبور به هجرت از مصر به «مدین»^۵ شد.

۲. اسرائیل به معنای عبدالله است. «اسرا» در لغت عبری یعنی «عبد» و «ئیل» به معنای «الله» است. (تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، ص ۵۷۳.)

۱. تاریخ یهود، ص ۹۱ به نقل از تورات، سفر خروج.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۹۶.

۴. (داستان ولادت، به آب انداخته شدن و نجات آن حضرت توسط آسیه و رشد ایشان در دربار فرعون به تفصیل در کتب تاریخی موجود است.)

در آنجا، طی جریانی که منجر به آشنایی وی با «شعیب» گشت، با یکی از دختران شعیب به نام «صفورا» (یا صفوره) ازدواج کرد و به مدت هشت یا ده سال در خدمت شعیب بود و در این مدت گوسفندان وی را شبانی می کرد.

به موجب روایات تورات، موسی علیه السلام در خلال سال های اقامت خود در مدین و در روزی که مشغول چراندن گوسفند های شعیب در صحرا بود به پیامبری خداوند مبعوث شد و در آنجا بود که اولین وحی خداوند بر وی نازل گشت.^۲

(البته جریان بعثت موسی علیه السلام در قرآن به گونه دیگری بیان شده است؛ قرآن کریم این واقعه را در برهه ای از تاریخ زندگانی وی بیان می کند که او بعد از چندین سال اقامت در مدین به همراه همسر و فرزندانش به مصر مراجعت می کرد. و در بین راه در کوه سینا به پیامبری مبعوث شد)^۳

نام معروف پیروان حضرت موسی علیه السلام در جهان امروز «یهود» است.

کلمه یهود از «یهودا» گرفته شده است که نام یکی از فرزندان یعقوب علیه السلام بوده است. اما یکی از مفسران اسلامی در وجه تسمیه یهود گفته است که یهود به معنای هدایت یافته است و علت آن توبه قوم موسی علیه السلام از گوساله پرستی است. اما قول دیگری حاکی از آن است که یهود معرب هود است و لذا نقطه آن حذف گردیده است

۵. مدین یا شهر شعیب، در مشرق خلیج عقبه قرار دارد و مردم آن از فرزندان اسماعیل علیه السلام بوده اند. امروزه شهر مدین به نام «معان» نامیده می شود. (تاریخ یهود، ص ۱۰۰ به نقل از قاموس کتاب مقدس، ص ۹۵۶).

۱. کتاب مقدس، تورات، سفر خروج، فصل سوم، آیات ۱ تا ۷.

۲. این مطالب به تفصیل در تفسیر سوره قصص، آیه ۲۹ و سوره طه آیات ۴۵-۱۱ آمده است. رک: به تفسیر نمونه ج

و یا چون قوم یهود به هنگام خواندن تورات، خود را تکان می دهند، به آنان یهود گفته اند.^۱

برخی دیگر نیز واژه "یهود" را عربی نمی دانند بلکه آن را عبری دانسته که از «یَهُوَه»^۲ گرفته شده است.^۳

۲. اصول دین و عقاید آیین یهود

عالم دینی و پزشک و فیلسوف یهودی، «موسی بن میمون» (متولد ۱۱۳۵ میلادی و متوفی ۱۲۰۴) که در مصر و کشورهای مجاور آن شهرتی عظیم کسب کرده و در جوامع یهودی جهان از او به احترام یاد می شود، ۱۳ اصل را برای این آیین ترتیب داده است:

۱. وجود خدا.
۲. یگانگی او.
۳. مجرد بودن او.
۴. نداشتن زمان.
۵. حکمت او در امور.
۶. عدالت.
۷. قابل تقرب بودن از راه عبادت.
۸. اعتقاد به نبوت.

۳. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، ص ۵۷۴ به نقل از تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱، ص ۵۴۹.

۴. «یَهُوَه» به معنای «باشنده و موجود» و نام خاص خدا در دین یهود است. (نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۱۰۵)

۵. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، ص ۵۷۴ به نقل از اسلام و عقاید بشری، ص ۳۹۳.

۹. برتر بودن حضرت موسی علیه السلام
۱۰. اعتقاد به آسمانی بودن تورات.
۱۱. عدم جواز نسخ احکام.
۱۲. آمدن مسیحای موعود.
۱۳. قیامت و جاودانگی نفس آدمی.

نام خاص خدا در دین یهود، «یَهُوَه» است و چون [بنا به اعتقاد یهودیان] تلفظ این نام حتی از روی تورات حرام است، حرکات حقیقی (اعراب) آن را نمی دانند و گاهی در کتب علمی غرب از باب احتیاط آن را بدون حرکت و به صورت "YHWH" ثبت می کنند.

همچنین یکی دیگر از نام های خدا «إِهْيَه أَشِيرِ إِهْيَه» (به معنای هستم آنچه هستم) می باشد.^۱

و نیز طبق اصل هشتم که توسط ابن میمون مطرح شده است، یهودیان به نبوت معتقدند و برای آن معنای ویژه ای قائلند که پیشگویی است.

آنان علاوه بر حضرت موسی علیه السلام، ۴ پیامبر بزرگ و ۱۲ پیامبر کوچک دارند^۲ و اینها همان افرادی هستند که نبوت هایشان تدوین و حفظ شده است.

الف) پیامبران بزرگ:

۱. حزقیال نبی.
۲. عزرای کاتب که در قرآن «عُزَيْر» خوانده شده است.^۱

۱. این نام در برخی از ادعیه اسلامی من جمله دعای شب عرفه وارد شده است و معلوم نیست که به چه دلیلی به عبارت «أهياً شراً هياً» تبدیل شده است. (کلیات مفاتیح الجنان، دعای شب عرفه)

۲. بزرگی و کوچکی پیامبران به معنای بلند بودن یا کوتاه بودن نبوت مدون یا اسفار (کتابهای) آنهاست.

۳. نحمیای نبی.
 ۴. دانیال نبی.
 ب) پیامبران کوچک:
 ۱. هوزآ (هوشیا یا هوشیع)
 ۲. یوال (یوئیل)
 ۳. عاموس (عاموص)
 ۴. عوبدیا.
 ۵. یونا (یونس)
 ۶. میکاه.
 ۷. ناحوم
 ۸. هاباکوک (حبقوق)
 ۹. زفانیا (صفنیا)
 ۱۰. هاگایی (هگئی یا حجی)
 ۱۱. زانخاریا (زکریا)
 ۱۲. ملخیا (ملاکی)^۲

قبله یهود معبد سلیمان (مسجد الاقصی) است و آنان روزی سه بار نماز می خوانند. (صبح، عصر و مغرب)^۳

۳. سوره توبه، آیه ۳۰.

۱. تاریخ ادیان ابراهیمی، صص ۱۳۹-۱۳۱.

۲. نگاهی به ادیان زنده جهان، صص ۱۱۰-۱۰۵.

۳. کتب مقدس یهودیان

در نزد یهودیان، مجموعه ای از کتب مقدس دارای ارزش و احترام هستند که به «عهد عتیق» معروف است.^۱

عهد عتیق به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است. (این دو زبان مانند عربی از زبان های سامی هستند.)

عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد که از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شوند:

بخش اول: تاریخ بنی اسرائیل تا چند قرن قبل از میلاد. این بخش با تورات آغاز می شود و مشتمل بر ۱۷ کتاب است:

۱. سفر^۲ پیدایش (تکوین المخلوقات) (مشتمل بر جریان آفرینش جهان، داستان های آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و یوسف علیهم السلام)

۲. سفر خروج (مشتمل بر جریان تولد و بعثت حضرت موسی علیه السلام، خروج بنی اسرائیل از مصر به سینا و احکام)

۳. علت این نامگذاری این است که مسیحیان معتقدند که خدا با انسان دو پیمان بسته است. یکی پیمان کهن به وسیله پیامبران پیش از عیسی علیه السلام که در این پیمان مرتبه ای از نجات توسط وعد، وعید، قانون و شریعت به دست می آید و ... ادامه در پاورقی صفحه بعد

ادامه از پاورقی صفحه قبل ...

دیگری پیمان نو توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح علیه السلام که در آن نجات از طریق محبت حاصل می شود. آن قسمت از کتاب مقدس که در باره پیمان کهن سخن می گوید «عهد عتیق» و آن قسمت که درباره پیمان نو سخن می گوید، «عهد جدید» نامیده می شود. قسمت اخیر در بخش مسیحیت بحث خواهد شد. (آشنایی با ادیان بزرگ، صص

(۱۲۷-۱۲۸)

۱. سفر به معنای قسمت، پاره و کتاب است.

۳. سفر لاویان (لویان) (مشمول بر احکام کاهنان یعنی روحانیون یهودی که از نسل هارون و از خاندان لاوی هستند).
 ۴. سفر اعداد (مشمول بر آمار بنی اسرائیل در عصر موسی علیه السلام، شریعت و تاریخ ایشان)
 ۵. سفر تثئیه (مشمول بر تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده و تاریخ تا رجلت موسی علیه السلام).
- به مجموع این پنج سفر «تورات»^۱ گفته می شود.
۶. صحیفه یوشع بن نون.
 ۷. سفر داوران. (قضات بنی اسرائیل)
 ۸. کتاب روث.
 ۹. کتاب اول سموئیل.
 ۱۰. کتاب دوم سموئیل.
 ۱۱. کتاب اول پادشاهان. (ملوک)
 ۱۲. کتاب دوم پادشاهان. (ملوک)
 ۱۳. کتاب اول تواریخ ایام.
 ۱۴. کتاب دوم تواریخ ایام.
 ۱۵. کتاب عزرا.
 ۱۶. کتاب نحمیاہ.
 ۱۷. کتاب استیر (استر).

۱. تورات در زبان عبری به معنای قانون است.

بخش دوم: حکمت، مناجات و شعر. مشتمل بر ۵ کتاب است.

۱. کتاب ایوب.

۲. کتاب مزامیر معروف به زبور داوود.

۳. کتاب امثال سلیمان.

۴. کتاب واعظ سلیمان.

۵. کتاب سرود سلیمان.

بخش سوم: پیشگوییهای انبیا. مشتمل بر ۱۷ کتاب است.

۱. کتاب اشعیا (طولانی ترین و معروف ترین کتاب پیش گویی عهد عتیق).

۲. کتاب ارمیا (یرمیاه).

۳. کتاب نیاحات (مراثی) ارمیا.

۴. کتاب حزقیل (حزقیال).

۵. کتاب دانیال.

۶. کتاب هوشع.

۷. کتاب یوئیل.

۸. کتاب عاموص (عاموس).

۹. کتاب عوبدیا.

۱۰. کتاب یونا (یونس).

۱۱. کتاب میکاه.

۱۲. کتاب ناحوم.

۱۳. کتاب حبقوق.

۱۴. کتاب صفیناه.

۱۵. کتاب حگی (حجی).

۱۶. کتاب زکریاه.

۱۷. کتاب ملاکی.

علاوه بر اینها، در نزد یهودیان ۲ کتاب دیگر نیز به عنوان کتب مقدس مورد احترام هستند:

۱. «میشناه» که کتاب حدیث و روایات آنهاست و در تدوین آن ۱۵۰ نفر از علمای یهود شرکت داشته اند و در سال ۲۲۰ میلادی اختتام پیدا کرده است.

۲. «تلمود»^۱ که مجموعه ای کاملی از اصول و فروع و احکام و سنن و فتاوی علمای یهود است.

این دو کتاب پس از ظهور حضرت مسیح علیه السلام بر کتب مقدس یهود اضافه شده است.^۲

۴. فرقه های دین یهود

در این زمینه حضرت موسی علیه السلام خود پیش بینی کرده بود که قومش به تفرقه خواهد گرایید، همچنین پیامبر اسلام (ص) نیز در بیان گذشته تاریخ و ادیان آسمانی

۱. کلمه «تلمود» به معنای آموزش از فعل ثلاثی عبری لامد (یعنی یاد داد) می آید و با واژه تلمید و مشتقات آن در زبان عربی ارتباط دارد. (آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۰۳)

۲. سیری کوتاه و گذرا در ادیان، ص ۴۹ و ص ۶۳.

پیشین به قوم حضرت موسی علیه السلام اشاره فرموده است که به هفتاد و یک فرقه تقسیم شدند.

اما در کتب مختلف تاریخ ادیان به نام ۲۷ فرقه از یهودیان اشاره شده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. فرقه فریسیان به معنای جدا شوندگان که بخش بزرگی از کاهنان یهود آن را پدید آوردند. این فرقه معتقد به معاد و روز قیامت هستند و راه نجات مردم را عمل به تورات و دستورات دینی یهود می دانند.
۲. فرقه صدوقیان منسوب به یکی از روحانیون یهود به نام صدوق است. این فرقه توسط روشنفکران و یونانی گرایان تشکیل شده که منکر معاد و مخالف اصول و فروع غیر علمی - عقلی دین یهود هستند.
۳. فرقه اینسیان با گرایشی عرفانی که محصول دوران فقر و فلاکت و اسارت یهود است. این فرقه علیه مالکیت خصوصی شوریدند و اندوختن سیم و زر را حرام کردند.^۱

۵. مهدویت از دیدگاه دین یهود

در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت، شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان موج می زند و آنان سراسر تاریخ سیاه خود را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رها کند و فرمانروای جهان گرداند.

۱. رجوع کنید به: تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، صص ۶۷۸-۶۶۷

حتی در عصر ما که یهودیان، با اشغال فلسطین در صدد برآمده اند تا حقارت همیشگی قوم یهود را از بین ببرند، از تب و تاب انتظار موعود چیزی کاسته نشده است.

هم اکنون صهیونیست های غاصب فلسطین، در کنار دعاهای مسیحایی همیشگی در پایان مراسم سالگرد بنیان گذاری رژیم اشغالگر قدس (پنجم ماه ایار عبری)، پس از دمیدن در شیپور این دعا را می خوانند:

« اراده خداوند خدای ما چنین باشد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد. »^۱

بدین لحاظ در آیین یهود و در بین آثار دینی آنان «موعود» به چشم می خورد و با تأمل در مجموع آنچه در آثار مقدس یهود آمده چهره سه موعود ترسیم می شود:

حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد (ص) و حضرت مهدی علیه السلام.

به هر حال چون یهودیان به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاورده اند بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است و با این حساب، انتظار در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد چون این قوم به حضرت مسیح علیه السلام و حضرت محمد (ص) نگرویدند. پس مسئله انتظار باید برای آنان حساس و نگران کننده باشد اگرچه در کتبی از کتاب های یهودیت و عهد عتیق سخنانی چند درباره موعود آمده است.

۱. در زبور حضرت داود علیه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در کتب عهد عتیق آمده، نویدهایی درباره ظهور موعود به بیان های گوناگون داده شده است و می توان گفت در هر بخشی از زبور اشاره ای به ظهور منجی و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران

و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم موجود است.

قرآن کریم در این مورد می فرماید:

« و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون »^۱

(و ما علاوه بر ذکر، در زبور نوشتیم که [در آینده] بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.)

جالب این است که در کتاب «مزامیر داود»، عین تعبیری که در آیه فوق بدان اشاره شده، یا مشابه آن در چند مورد دیده می شود و نشان می دهد که با تمام تحریفاتی که در این کتب (عهد عتیق) به عمل آمده، این قسمت همچنان از دستبردها مصون مانده است:

« (۹) زیرا که شیران منقطع می شوند. اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد (۱۰) و حال اندک است که شیر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد ... (۱۸) خداوند روز [ها]ی صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد ... (۲۰) لکن شیران هلاک خواهند شد و دشمنان خداوند مثل پیه بره ها فانی، بلکه مثل دود

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱. منظور از «ذکر» در این آیه شریفه، کتاب «تورات» است. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۲).

تلف خواهند شد... (۲۲) زیرا متبرکان [خداوند] وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد... (۲۹) صدیقان وارث زمین شده ابدأ در آن ساکن خواهند بود.^۱ در اینجا به خوبی مشاهده می شود که همان عنوان «صالحان» که در قرآن آمده با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می خورد که علاوه بر آن تعبیرات دیگر مانند متوکلان، متواضعان، متبرکان، صدیقان و ... که با آن قریب الافق است نیز در جمله های دیگر ذکر شده است و این تعبیرات، دلیل بر عمومیت حکومت صالحان است و کاملاً با احادیث قیام مهدی علیه السلام تطبیق می کند.

همچنین در مزمور ۷۲ از پیامبر بزرگ اسلام (ص) و فرزند دادگسترش مهدی علیه السلام نیز با الفاظ «ملک» و «ملک زاده» یاد شده است. و نا گفته نماند که نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در زبور فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، موجود است.

۲. در کتاب اشعیای نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است در مورد ظهور منجی موعود آمده است:

«(۱) و نهالی از تنه "یشی" (یسی)^۲ بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش قد خواهد کشید (۲) و روح خداوند ... بر آن خواهد آرامید (۳) و او را در خشیت خداوند تیزهوش

۲. عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، آیات ۹ تا ۲۹. (این جملات از روی ترجمه فارسی کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید که توسط فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن از روی زبان های اصلی عبری، کلدانی و یونانی ترجمه شده است، عیناً نقل شده است)

۱. یسی به معنی قوی، پدر حضرت داود و نوه «راعوت» است و به طوری مشهور بود که داود را پسر «یسی» می نامیدند. (ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام...، ص ۳۱۱ به نقل از قاموس کتاب مقدس) و اما راعوت زنی است از «مؤاب» که سرزمینی است در شرق دریای لوط که با «یوغی» وصلت کرد و از او صاحب فرزندی به نام عوید - عوید - شد که جد حضرت داود علیه السلام می باشد. (همان، به نقل از لغت نامه دهخدا، حرف راء، ص ۸۶)

گردانیده موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوشهایش تنبیه نخواهد فرمود (۴) بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود ... (۵) و کمر بند کمرش عدالت و وفا نطق میانش خواهد بود...»^۱

منظور از «تنه یسی خواهد روید» ممکن است یکی از چهار نفر از شخصیت های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام باشند؛ ولی دقت و بررسی کامل آیات فوق نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست؛ بلکه همه آن بشارت ها و ویژه قائم آل محمد علیه السلام است، زیرا حضرت داود و سلیمان علیه السلام فرزندان پسر یسی و حضرت عیسی علیه السلام نواده دختری وی، و قائم آل محمد علیه السلام نیز از جانب مادرش جناب نرجس خاتون - که دختر یسوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود علیه السلام، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی علیه السلام بوده و نسب شریفش به شمعون صفا، وصی حضرت عیسی علیه السلام می رسد - نواده دختری «یسی» می باشد.^۲

در فرازی از این بشارت چنین آمده است: « موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خود تنبیه نخواهد نمود» و این جمله اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بینه ندارد و از کسی گواهی نمی طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که « یحکم بحکم داود و محمد (ص) » یعنی به حکم حضرت

۲. عهد عتیق، کتاب اشعیا، فصل یازدهم، آیات ۵-۱.

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ...، ص ۳۱۲.

داود و دستور حضرت محمد (ص) و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می نماید.^۱

همچنین در این کتاب به بشارات دیگری در مورد برنامه های آن مصلح جهانی در رابطه با تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رفاه همگانی و آباد ساختن جهان اشاره شده است من جمله بشارت زیر:

« (۱۶) آن وقت حکم به بیابان ساکن و عدالت در مزرعه بارور متمکن گردیده (۱۷) ثمر صداقت سلامتی و نتیجه عدالت ابداً امنیت و اطمینان خواهد بود (۱۸) و قوم من در مکان سالم و مسکن های مطمئن و به منزلهای آرام ساکن خواهند شد »^۲

۳. در کتاب زکریای نبی که از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است بشارت آن یگانه منجی عالم چنین آمده است:

« (۱) اینک روز یهوه (خدا) می آید و یغمایت (غنیمت هایت) در جوفت (میانت) تقسیم کرده خواهد شد (۲) و تمامی طوائف را از برای نمودن محاربه بر ضد اورشلیم گرد خواهم آورد و شهر مسخر و خانه ها به تاراج و به نسوان (زنان) زور آورده خواهد شد و نصف شهر به اسیری خواهد رفت و بقیه قوم از شهر منقطع نخواهند شد (۳) و خداوند^۳ خروج نموده با آن طوائف جنگ خواهد کرد به نحوی که در روز معرکه جنگ می نمود ...

۲. همان.

۳. عهد عتیق، کتاب اشعیا (ه)، فصل ۳۲، آیات ۱۸-۱۶.

۱. در کتب عهدین، کلمه خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی علیه السلام به کار می رود و در اینجا نیز چنین است. (ظهور

حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ...، ص ۳۲۹).

(۷) و آن روز، روز یگانه معروف خداوند خواهد بود ... (۹) و یهوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود و در آن روز یهوه، یکی و اسمش نیز یکی خواهد بود. «
همان طوری که در بشارات فوق مشاهده می شود از روز آمدن منجی موعود در کتاب زکریای نبی با نام «روز یهوه» یا روز خدا (یوم الله) یاد شده است.
طبق روایات اسلامی، سه روز به عنوان «یوم الله» شناخته شده است، شیخ صدوق در کتاب خصال از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرموده اند:
« ایام الله عزوجل ثلاثة: یوم یقوم القائم و یوم الکرّة و یوم القيامة »^۱
(روزهای خداوند تبارک و تعالی سه روز است:

۱. روز قیام قائم علیه السلام .

۲. روز رجعت .

۳. روز قیامت .)

همچنین طبق آیات شریفه قرآن کریم یادآوری «ایام الله» در سرلوحه برنامه های حضرت موسی علیه السلام قرار گرفته است:

« و لقد ارسلنا موسی بآیاتنا أن اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بآیام الله ان فی ذلك لآیات لكل صبار شکور »^۲

(و همانا موسی را با آیات خود فرستادیم که قوم خود را از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیاور و روزهای خدا «ایام الله» را به آنها یادآوری کن که - در این یادآوری - برای هر انسان بسیار شکبیا و شکرگزار نشانه هایی است)

۲. خصال شیخ صدوق، باب ۳، ح ۶۶، ص ۱۲۷ .

۱. سوره ابراهیم، آیه ۵ .

در ذیل آیه شریفه، در تفاسیر متعددی، صریحاً به ایام الله اشاره شده و روز قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام اولین آنها معرفی شده است.^۱

۴. بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب حجی (حگّی) نبی که یکی دیگر از انبیاء پیرو تورات است، چنین آمده است:

« (۶) زیرا خداوند صباوت (لشکرها) چنین می فرماید که هنوز وقت قلبی است که من آسمان ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می آورم (۷) بلکه تمامی طوایف را به هیجان می آورم، (متزلزل می سازم) و مرغوب (فضیلت) تمامی طوایف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید که این خانه را مملوّ از جلال خواهم کرد ... (۹) ... که عزّت این خانه آخرین از عزت خانه اولین اعظم خواهد بود و خداوند لشکرها می فرماید که در این زمین سلامتی را خواهم بخشید. »^۲

این بشارت، پس از آنکه به برخی از نشانه های ظهور که در آسمان و زمین و دریا به وجود خواهد آمد اشاره می کند، به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره نموده و آن را جزء آخرین دولت ها به حساب آورده که توسط یگانه منجی عالم ایجاد می شود و اوست که مطلوب همه طوایف و ملل است.

زیرا تعبیر «فضیلت جمیع امت ها» اشاره به بازگشت حضرت مسیح علیه السلام و نزول او به بیت المقدس و همچنین اشاره به ظهور حضرت بقیت الله است که در آنجا نماز

۲. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۶۲۰. تفسیر اثنی عشری، ج ۷، ص ۱۶ به نقل از علی بن ابراهیم قمی. تفسیر انوار درخشان، ج ۹، ص ۲۵۶. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۲۱ به نقل از ابن بابویه. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۰ و...

۱. عهد عتیق، کتاب حجی، فصل ۲، آیات ۹-۶.

خواهد گزارد و حضرت عیسی علیه السلام به وی اقتدا خواهد نمود، علاوه بر آن در ترجمه های ترکی و عربی این فراز « آرزوی جمیع ملت ها برآورده خواهد شد » آمده است که این معنا کاملاً با روایات اسلامی مطابق است.^۱

زیرا در ضمن یک روایت مفصل که از حضرت علی علیه السلام در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده چنین آمده است که به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: « ثم يظهر امیر الامرة و قاتل الکفرة، السلطان المأمول الذی تحیر فی غیته العقول و هو التاسع من ولدک »^۲

(وسپس امیر امیران، کشنده کافران و «پادشاهی که مورد آرزوی جمیع امت هاست» در غیبتش همگان دچار حیرت می شوند، ظهور می کند و او نهمین فرزند توست)

همچنین در قسمتی از دعای معروف افتتاح که مستحب است در هر شب از شبهای ماه رمضان خوانده شود چنین آمده است:

« اللهم و صلّ علی ولی امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر »^۳

(خداوندا! و درود فرست بر ولی امر خودت آن قیام کننده ای که «مورد امید و آرزوی همگان است» و عدالت پیشه ای که همه مردمان در انتظارش به سر می برند) بنابراین جای هیچ گونه تردید نیست که منظور از «فضیلت جمیع امت ها» همان مهدی موعود علیه السلام است که همه امت ها و ملت ها در انتظار ظهور مبارکش هستند.

۲. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام ... ، ص ۳۳۴ به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۶۴ .

۳. منتخب الاثر، فصل ۶، ب ۱۰، ص

۱. مفاتیح الجنان، اعمال مشترکه ماه رمضان، دعای افتتاح .

۵. در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور یگانه منجی موعود، مطابق بشارات انبیای گذشته چنین آمده است:

« (۱) ... سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوائف تا به این زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هرکسی که در کتاب مکتوب یافت شده است، نجات خواهد یافت (۲) و از خوابندگان در خاک زمین بسیاری بیدار خواهند شد، بعضی به جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی (۳) و دانشمندان مثل ضیای (روشنایی) سپهر (افلاک) و کسانی که بسیاری را به راه صداقت رهبری نمایند مانند کواکب (ستارگان) تا ابدالآباد درخشان خواهند بود (۴) اما تو ای دانیال! کلمات را مخفی کن و کتاب را تا به زمان انجام کار مختوم ساز (مهر کن)، حینی که بسیاری گردش کرده علم زیاد گردد. »^۱

« (۱۲) خوشا به حال کسی که انتظار کشیده ... »^۲

مطابق فراز اول بشارت فوق، شخص منجی با عنوان «قائم» معرفی شده است و طبق روایات اسلامی این عنوان یکی از القاب مشهور حضرت مهدی علیه السلام است که بزرگترین نماینده انبیای الهی است و دعوت تمام پیامبران را یکجا در حکومت حقّه خود آشکار می سازد.

۲. عهد عتیق، کتاب دانیال، فصل ۱۲، آیات ۴-۱.

۱. همان، آیه ۱۲.

همچنین منظور از «زمان تنگنا» (احتمالاً) زمان بیدادگریها، سختی‌ها، فشارها و ظلم و ستم‌هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می‌شود، چنانکه در روایات آمده است:

«يَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»

و منظور از «آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند» گروهی از اموات می‌باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌شوند و برخی از آنان از یاران آن حضرت می‌گردند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می‌رسند.^۱

۲. در این زمینه روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است و طالبین می‌توانند به کتاب‌های مربوطه که در مورد «رجعت» نوشته شده مراجعه نمایند.

دین مسیحیت

۱. آشنایی با آیین مسیحیت

عیسی بن مریم ناصری منسوب به ناصره ملقب به مسیح و کلمه الله و روح الله و مسیحا در سال ۷۴۹ رومی تولد و در سال ۳۳ میلادی (برحسب نظر مسیحیان مصلوب شد)^۱

عیسی علیه السلام از نسل داود است و مسیحیان، اغلب وی را پسر خدا نامیده اند در حالی که مسلمانان او را یکی از پیامبران اولوالعزم می دانند. آن حضرت بنا به نوشته اناجیل در زمان هرودیس در بیت اللحم یهودیه از مریم باکره متولد گردید.^۲ پس از تولد، نام «یشوع» بر او نهادند و معنای آن نجات خداست، یونانیان و رومیان آن را به «یسوس» تبدیل کردند و در زبان عربی تبدیل به عیسی شد.^۳

بنا بر روایات تاریخی موجود، عیسی بن مریم علیه السلام در روستای ناصره به دنیا آمده و در همان مکان خواندن و نوشتن و زبان یونانی را (که در آن زمان فراگرفتن آن توسط یهودیان تحریم شده بود) فرا گرفت، اما قرآن صریحاً به علم لدنی عیسی علیه السلام تصریح کرده و تأکید می کند که او هرگز به مکتب نرفت و خط ننوشت.^۴

طبق روایات انجیل و ملحقات آن، اندکی پیش از برانگیخته شدن حضرت عیسی علیه السلام، حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام پیامبر جوان و پر آوازه بنی اسرائیل در سرزمین یهودیه قیام کرد اما پس از چندی به فرمان پادشاه ایالت جلیل، وی را در زندان سر بردند.^۵ هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام خبر دستگیری یحیی علیه السلام را شنید، شهر خود

۱. در این مورد عقیده مسلمانان طبق آیات صریح قرآن کریم، این است که آن حضرت مصلوب و مقتول نگردید بلکه امر بر آنان مشتبه شده و شبیه عیسی (ع) را به دار زدند. (سوره مبارکه نساء آیه ۱۵۷)

۲. آشنایی با ادیان ابراهیمی، ص ۱۷۲.

۳. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۱۲.

۴. سوره مبارکه آل عمران آیات ۴۷ و ۴۸.

۵. عهد جدید، انجیل متی، ب ۱۴، آیات ۱۲-۱. انجیل مرقس، ب ۶، آیات ۲۹-۱۴. انجیل لوقا، ب ۹، آیات ۷-۹.

را ترک کرد و به شهر «کفرناحوم» در کنار دریاچه جلیل آمد^۱ و دنباله کار حضرت یحیی علیه السلام را گرفت و هنگامی که به سن سی سالگی رسید به بشارت دادن آغاز کرد. اما در قرآن کریم داستان عیسی علیه السلام بسیار مفصل و روشن آمده است. قرآن، داستان خلقت عیسی را به قضیه خلقت آدم علیه السلام تشبیه کرده است.

مادر عیسی علیه السلام، «مریم»، [تنها زنی که نام وی در قرآن صریحاً (۳۴ بار) آورده شده است] به اراده خداوند حامله می شود و عیسی علیه السلام متولد می گردد و این همان نکته ای است که در ادیان یهود و مسیح بحران ساز شده است.

همچنین قرآن به نبوت و رسالت حضرت علیه السلام از همان لحظه ولادت تصریح می کند و نشان می دهد که ولادت او بر حسب معمول نیست و او مولودی خارق العاده، با رسالت جهانی برای نجات بشریت است.^۲

در آغاز دعوت عیسی علیه السلام سخن از یکتایی پروردگار بود که به نام پدر توانا و آفریدگار آسمان و زمین خوانده می شد ولی بعد، عیسی علیه السلام را پسر خدا و در کنار پدر قرار دادند. یهودیان اولیه پیرو عیسی علیه السلام، وی را مسیحی می دانستند که برای نجات قوم یهود آمده است ولی عیسویان مرقیونی عیسی را خدایی دانستند که از آسمان به زمین آمده تا جهان را نجات دهد. مشرکین سابق اروپا پس از قبول آیین عیسی وی را خدایی دانستند که از جنس بشر است و سرانجام «پدر + پسر + روح القدس» یعنی اقنوم های سه گانه عقاید مسیحیت پدیدار گشت.^۳

۲. اصول دین و عقاید آیین مسیحیت

۲. عهد جدید، انجیل متی، ب ۴، آیات ۲۵-۲۳. انجیل مرقس، ب ۱، آیات ۱۵-۱۴. انجیل لوقا، ب ۴، آیات ۱۵-۱۴.

۳. سوره مبارکه مریم، آیات ۳۴-۲۷.

۴. تاریخ ادیان و مذاهب، ص ۷۰۱.

در قرن چهارم میلادی و در زمان «کنستانتین اول»، مجلسی تشکیل شد که در آن از میان ۱۰۶ انجیل و رساله و تواریخ، ۲۷ کتاب و رساله برگزیده شد که همگی تحت عنوان «عهد جدید» در مقابل «عهد عتیق» چاپ گردید و در همان مجلس عیسی (علیه السلام) را به نحو قاطع به الوهیت و خدایی ارتقا داده و اصول و عقاید خود را بر ۸ پایه قرار دادند:

۱. کتاب مقدسه عهد عتیق به اضافه عهد جدید، جملگی وحی و کلام خداست.
۲. از ازل، الوهیت از سه شخص تشکیل شده که عبارتند از: «پدر، پسر و روح القدس».
۳. پسر، موقعی از لاهوت تنزل کرده و بشر گردیده که به صورت عیسی (علیه السلام) در آمده است. او با اختیار خود، حیات خویش را برای نجات نسل بشر از گناه، فدا و قربانی کرده است و وسایل غفران را عبارت از اعمال مذهبی مسیحیان می داند.
۴. عیسی (علیه السلام) پس از مرگ به پا خواسته و بالاخره به آسمان صعود نموده است و موقعی که وی از آسمان دوباره نزول نماید رستاخیز مردگان صورت خواهد گرفت و جزا و سزای اعمال آدمیان نصیبشان خواهد گردید.
۵. پاپ نماینده خدا در روی زمین و مصون از اشتباه و خطاست.

۶. به غیر از پدر و اهریمن، عده زیادی از اولیا و مقدسین مسیحی و نفوس و ملائکه وجود دارند. ماری (مریم)، مادر پسر است و متنند یک شخص آسمانی در خور پرستش و تقدیس است.
۷. کسی که به این معتقدات ایمان نداشته باشد گمراه و مرتد محسوب می شود.
۸. مظهر خارجی آیین مسیح، صلیب است.^۱

همچنین به زعم مسیحیان، هفت مورد زیر (مقدسات سبعة) از شعائر مسیحیت قلمداد می شود.

۱. **تعبد (تعמיד):** نخستین و اصلی ترین آیینی که برای همه ضرورت دارد و انسان به وسیله آن به جامعه مسیحیت وارد می شود و عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی علیه السلام و اصولاً با گونه ای از شستشو انجام می شود.
۲. **تثبیت یا تأیید:** نیمه دوم از سلوک و پیشرفت در زندگی مسیحی است که در این نیمه بر جنبه مثبت ادای شهادت به آنچه خدا به وسیله عیسی علیه السلام برای بشریت محقق ساخته تأکید می شود و اساس آن مسح کردن داوطلب تأیید با روغن، توسط **أسقف**^۲ یا جانشین او، هنگام سن بلوغ است.

۱. سیری کوتاه در ادیان، صص ۹۷-۹۴.

۲. اسقف به نماینده مسیح در یک قلمرو معین گفته می شود.

۳. **عشاء ربانی:** یکی از مسائل اساسی ایمان و شعائر عبادی مسیحیت است و در عین حال یادبود و بازسازی شام آخر عیسی علیه السلام با شاگردان در شب قبل از مرگ اوست.
۴. **توبه و اعتراف:** مسیحیان در آیین اعتراف از طریق توبه یا آشتی بخشایش الهی را دریافت می کنند زیرا ایشان نیز مانند مسیحیان و یهودیان متقدند توبه موجب بخشایش الهی می شود.
۵. **تشریفات محضر:** تشریفات محضر یا مالیدن روغن مقدس به بیماران در حال مرگ، که به زعم مسیحیان، مسح کردن بیماران با روغن مقدس مسلم می سازد که آنان تنها نیستند بلکه مسیح با ایشان است و آنان را به سوی خدا رهنمون می سازد.
۶. **ورود به کلیسا:** ورود به کلیسا یا آیین دستگذاری که انسان حیات خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و خدمت به همه بشریت می کند.
۷. **ازدواج:** مسیحیان ازدواج را یک امر دنیوی نمی دانند و به عقیده آنها ازدواج نشانه محبت خدا به بشریت است. آنان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند.^۱

۱. آشنایی با ادیان بزرگ صص ۱۵۶-۱۵۱.

۳. کتب مقدس مسیحیان

کتاب مقدس مسیحیان شامل دو بخش است که در حقیقت بخش اول آن همان کتاب مقدس یهودیان است (عهد عتیق) که مسیحیان برای آن احترام قائل شده آن را در آغاز کتاب خود قرار داده اند. اما یهودیان که عهد جدید را انکار می کنند، قسمت مورد اعتقاد خود را « عهد » می نامند.

عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است و چهار انجیل در آغاز عهد جدید وجود دارد. (کلمه انجیل در زبان یونانی به معنای مژده است، مژده به فرارسیدن به ملکوت آسمان یا پیمان تازه)

البته ترجمه های بسیار زیادی از کتب مقدس به زبان های گوناگون انجام گرفته و سازمان های متعددی مخصوص انتشار آنها در سراسر جهان وجود دارد که از جمله آنها انجمن کتب مقدسه است که در سال ۱۸۰۴ میلادی در لندن تأسیس شد و در بسیاری از کشورها دارای شعبه است. اما به تصمیم جمهوری اسلامی ایران شعبه آن در تهران (خیابان سی تیر جنب کلیسای انجیل) پس از سالها فعالیت در سال ۱۳۶۸ تعطیل شد. حرمت ترویج باطل در جامعه اسلامی دلیل این اقدام بیان شده است.

عهد جدید شامل ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می شود:

۱. گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام به نوشتن زندگینامه ، اعمال، رفتار و سخنان حضرت عیسی علیه السلام اقدام کرده بودند که این نوشته ها بعداً به انجیل موسوم شدند که تعداد آنها بالغ بر یکصد و بیست انجیل است. و اندک اندک

چهار انجیل از انجیل‌ها رسمیت یافت. نویسندگان انجیل اول و چهارم از حواریون و نویسندگان دو انجیل دیگر از حواریون حواریون معرفی شده‌اند.

میان سه انجیل اول هماهنگی وجود دارد و به این دلیل آنها را انجیل‌ها می‌نامند.

این چهار انجیل عبارتند از: ۱. انجیل متی^۱ ۲. انجیل مرقس^۲ ۳. انجیل لوقا^۳ ۴. انجیل یوحنا^۴.

علاوه بر این چهار انجیل، انجیل دیگری هم در میان مسیحیان دارای احترام هستند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به انجیل برنابا، انجیل دیگری از متی، انجیل نیکودیم، انجیل توماس، انجیل صفوله و انجیل مارسین اشاره نمود.^۵

۲. زندگینامه و سخنان مبلغان صدر مسیحیت که تنها مشتمل بر یک کتاب است به نام اعمال رسولان نوشته لوقا مؤلف سومین انجیل.

۱. متی: یکی از رسولان دوازده گانه حضرت عیسی علیه السلام بود که در ناحیه «کفرناحوم» تحصیل دار مالیات بود. او انجیل خود را در حدود سال ۵۰ میلادی به زبان آرامی برای مسیحیان یهودی الاصل فلسطین نوشت.

۲. مرقس: یکی از یاوران پولس رسول بود و بعد از مدتی با پطرس در کارهای تبلیغی شرکت داشت. وی انجیل خود را در حدود سال ۶۴ میلادی نوشت. تأسیس کلیسای اسکندریه به او منسوب است.

۳. لوقا: یکی از دوستان و یاوران پولس رسول بود و به طبابت اشتغال داشت. وی انجیل خود را در حدود سال ۶۷ میلادی نوشت.

۴. یوحنا: یکی از رسولان دوازده گانه مسیح علیه السلام بود که حضرت عیسی علیه السلام به او محبتی خاص داشت و لقب حبیب را به او بخشید. وی حدود سال ۱۰۰ میلادی وفات یافت. انجیل یوحنا و سه رساله در عهد جدید و رساله رؤیا از تألیفات اوست.

متی و یوحنا از رسولان دوازده گانه حضرت مسیح علیه السلام و لوقا و مرقس از شاگردان حضرتش بودند. (اعلام المنجد)

۵. تاریخ ادیان، ج ۲، ص ۷۵۵.

۳. نامه های رسولان؛ برخی از رسولان نامه هایی به جوامع و افراد مسیحی عصر خود نوشته اند که آن نامه ها اندک اندک اهمیت پیدا کردند و به مجموعه عهد جدید راه یافتند. این بخش مشتمل بر ۲۱ نامه است.

۴. رؤیا در باره آینده کلیسا یعنی جامعه مسیحیت که به مکاشفه یوحنا موسوم است.

۴. فرقه های مسیحیت

مسیحیت نیز مانند سایر ادیان فرقه های بسیاری دارد که برخی از آنها باستانی و برخی دیگر نسبتاً تازه هستند. اما سه فرقه بزرگ و اصلی مسیحیت عبارتند از:

۱. کاتولیک^۱: این مذهب، امروزه بزرگترین (به لحاظ کمیت) و مهم ترین مذهب مسیحی است که قدمت آن به ۲۰۰۰ سال پیش می رسد. کاتولیک ها رهبری به نام پاپ (به معنای پدر) دارند.

۲. ارتودوکس^۲: این فرقه قریب ۱۰۰۰ سال پیش پدید آمده و با فرقه کاتولیک اختلاف چندانی ندارد. رئیس و روحانی این فرقه بطریق (یعنی خلیفه) نامیده می شود و مشاورین مذهب را سن سینور می گویند.

۱. CATHOLIC کلمه ای یونانی به معنای جامع و عمومی.

۲. ORTHODOX به معنای درست اعتقاد. (نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۲۰۶)

۳. پروتستان^۱: از حدود ۵۰۰ سال پیش تا کنون فرقه های پروتستان بی شماری در جهان پدید آمده اند. آنان به رهبری متمرکز عقیده ندارند و برای روحانی مسیحی ارزش چندانی قایل نیستند و بسیاری از اعتقادات فرقه های دیگر را رد می کنند.

۵. مهدویت از دیدگاه آیین مسیحیت

قبل از آنکه به بررسی این موضوع پردازیم ذکر دو نکته ضروری به نظر می رسد:

۱. در کتابهای مذهبی و مقدسی که در میان مسیحیان به عنوان کتب آسمانی شناخته شده و در قسمت های قبل از آنها نام بردیم، (مانند سایر کتب آسمانی) اشارات زیادی به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و ظهور مبارک آن حضرت شده است اما مشکل اینجاست که این اشارات بسیار رمزآلود و مختصر است؛ زیرا زمان ایشان با دوران حضرت مهدی علیه السلام فاصله بسیار داشت و حتی هنوز دین اسلام نیامده بود. به علاوه این که حضرت مسیح علیه السلام به خاطر عدم آمادگی مردم و نداشتن قدرت تحمل و درک مسائل، حقایق بسیاری را کتمان داشت.

یک بار بعد از طرح موضوع ملکوت و عروج به آسمان و سپس بازگشت مجدد خود، چنین فرمود:

« و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم [که] به شما بگویم، لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید»^۲

۱. PROTESTANT به معنای معترض.

۲. انجیل یوحنا، ب ۱۶، بند ۱۲.

بنابراین، راهی نداریم که از عبارات خود انجیل به طور صریح و آشکار بشارت هایی را در مورد حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات ایشان بیابیم.

۲. یکی از عقاید قطعی همه مسلمانان این است که حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به روی زمین باز می گردد و در این باره صدها حدیث از طریق شیعه و سنی روایت شده است که از بازگشت آن حضرت سخن می گوید.

از نظر شیعه نیز این مطلب قطعی است که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می شود و در بیت المقدس پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می گزارد و او را تأیید می کند و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می گیرد. (در این زمینه، روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه و سنی وارد شده است.)

همچنین خود حضرت عیسی علیه السلام نیز از شخص حضرت مهدی علیه السلام و نقش رهبری آن حضرت در هنگام ظهور و در نهضت جهانی اش سخن گفته است؛ همان گونه که از اشاره حضرت مسیح علیه السلام به نقش خود در برپایی این دولت و نفی رهبری خود معلوم می شود، آنجا که می گوید:

« من جلال خود را طالب نیستم؛ کسی هست که می طلبد و داوری می کند»^۱

بنابراین کسی که حضرت عیسی علیه السلام به او اشاره می کند شخصیت دیگری است غیر از خودش که برای برپایی دولت خدایی و مجد ربانی بر روی زمین تلاش و سپس آن را پایه گذاری می کند و کسی جز امام عصر علیه السلام نیست که این توصیفات به وضوح تمام بر وی صدق کند.

همچنین پس از بررسی اناجیل اربعه و سایر کتب عهد جدید و سخنان حضرت عیسی علیه السلام در می یابیم که او حضرت مهدی علیه السلام را در اکثر موارد با اصطلاح «پسر انسان» یاد کرده است. که در زبان عبری «برناشا» است.

«بر» به معنای پسر است و «ناشا» دارای معانی زیادی است، اما در ترجمه اناجیل، همین معنای «انسان» برای این واژه انتخاب شده است.

در پی همین رمزآلود بودن سخنان عیسی علیه السلام، برای مسیحیان این اعتقاد پیدا شده که منظور از «پسر انسان»، خود اوست و در موارد بسیار زیادی، این واژه را به معنای مسیح علیه السلام به کار برده و خلط کرده اند.^۱

حال متن برخی از آن بشارات را که در اناجیل آمده بررسی می کنیم:

الف) انجیل متی

«پس عیسی از هیکل^۲ بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و

۱. این اصطلاح هشتاد بار در کتاب عهد جدید ذکر شده است که بنا به نوشته جیمز هاکس، مؤلف و مترجم قاموس کتاب مقدس، فقط در ۳۰ مورد از آنها، بر شخص حضرت مسیح علیه السلام اطلاق می شود. (قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹).
 ۲. هیکل، معبد بزرگی بود که حضرت سلیمان پیامبر علیه السلام در بیت المقدس، آن را به طرز با شکوهی ساخته بود. پایه های آن بر روی ۳۶۰ ستون از مرمر گران بها و کمیاب استوار بود و در آن دهها سنگ قیمتی، الواح و نوشته های شگفت انگیز وجود داشت که هر بیننده ای را شگفت زده می کرد. زمین این معبد از جنس بلور و شفاف و آبهایی از زیر آن جاری بود؛ همانجا که حضرت سلیمان علیه السلام از «بلقیس» ملکه کشور سبا پذیرایی کرد که قرآن به داستان آن اشاره کرده است. هم اکنون دولت غاصب اسرائیل به بهانه پیدا کردن آن معبد، مشغول حفاری است، زیرا قسمتی از این معبد در زیر مسجد الاقصی و بخش دیگر آن در زیر کلیسای قیامت قرار گرفته است. (روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۹۲).

چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟^۱

سخنی که شاگردان حضرت عیسی علیه السلام به تناوب از ایشان شنیده بودند، آمدن او در پایان روزگار و علائم آن بود، از جمله خرابی معبد هیکل که در تاریخ واقع شد. سپس در باره آمدن خود در آخرالزمان پاسخ می دهد:

«عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد.»^۲

این هشدار حضرت مسیح علیه السلام شامل هر کسی می شود که بعد از محقق شدن بیشتر علایم آمدن و افزایش انتظار فرود او از آسمان ادعای مسیح بودن کند؛ همچنین دعوت های ضلالتی به نام مسیح علیه السلام را نیز شامل می شود که کارهای کلیسا در قرون وسطی واضح ترین مثال برای این واقعیت است.

سپس مسیح علیه السلام به شاگردانش گفت:

«و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید...»^۳

۱. انجیل متی، ب ۲۴، بندهای ۱-۳.

۲. همان، بندهای ۴-۵.

۳. همان، بندهای ۷-۸.

این جنگها و اخبار و ترس از آنها باعث می شود که جامعه بشری به نجات چشم بدوزد؛ اما جنگهای یاد شده آن جنگ بزرگی نیست که انتظار می رود به دنبال آن رهایی فرا برسد؛ بلکه جنگهایی است منطقه ای یا جهانی (جنگ جهانی اول و دوم) که به دنبال آن استعمار و اشغال سرزمین ها پیش آمد.

سپس عیسی علیه السلام هشدار خود را در باره مدعیان پیامبری تکرار می کند:

«آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را پیش خبر دادم.»^۱

آنگاه در اینجا است که از آمدن «پسر انسان» سخن می گوید:

«پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...»^۲

مشاهده می کنیم که در اینجا، حضرت مسیح علیه السلام آمدن حضرت مهدی علیه السلام را در سرعت و غافلگیرانه بودن به برق تشبیه می کند؛ برقی که به سرعت بسیار زیاد از

۱. انجیل متی، ب ۲۴، بندهای ۲۶-۲۳.

۲. همان، بندهای ۲۹-۲۶.

شرق به غرب می آید و جالب اینجاست که مشابه همین تعبیر از رسول اکرم (ص) درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

«المهدی من ولدی ... تكون له غیبة و حیرة تضلّ فیہ الامم ثم یقبل کالشهاب الثاقب و یلاها عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا.»^۱

ترجمه: «مهدی از فرزندان من است ... او را دوران غیبت و سرگردانی است که گروههایی در او گمراه می شوند. سپس همچون ستاره ای فروزان فرا می رسد و زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده باشد.»

سپس حضرت مسیح می فرماید:

«و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوتهای افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید ...»

پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش نازک شده برگها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک - بلکه بر در - است. هر آینه به شما می گویم ...»

آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.»^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۳، به نقل از کمال الدین.

۲. انجیل متی، ب ۲۴، بندهای ۳۶-۲۹.

آنگاه حضرت مسیح علیه السلام در مورد زمان ظهور می فرماید:

«اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود... پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند.

لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد»^۱.

سپس در مورد اتفاقات پس از ظهور مبارک و اقامه عدل و داد می فرماید:

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید»^۲.

۱. انجیل متی، ب ۲۴، بندهای ۴۶-۳۶.

۲. اشاره به مضمون آیه ۱۰۵ سوره انبیا که طبق آنچه در فصل قبل اشاره شد، شبیه به این اشارات در کتاب زیور حضرت داوود (ع) نیز وجود داشت.

۳. همان، ب ۲۵، بندهای ۳۴-۳۱.

ب) انجیل مرقس

مشابه اشاراتی که در قسمت قبل از انجیل متی نقل گردید در انجیل مرقس نیز وجود دارد:

« و چون او - عیسی - از هیکل بیرون می رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد! ملاحظه فرما چه نوع سنگ ها و چه عمارتها است!

عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارتهای عظیمه را می نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود.

و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود ... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمتی بر اُمتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست، و زلزله ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاشها پدید می آید، و اینها ابتدای دردهای زه^۱ می باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید ...

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.

مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید! زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبدا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید!»^۱

ج) انجیل لوقا

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید. که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید.»^۲

«و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمتهای روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دلهای مردم ضعیف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می آید»^۳

همان گونه که قبلاً نیز توضیح دادیم مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح (علیه السلام) نیست، زیرا مطابق نوشته جیمز هاکس، در «قاموس کتاب مقدس» این عبارت

۱. انجیل مرقس، ب ۱۳، بندهای ۹-۱ و ۳۷-۳۲.

۲. انجیل لوقا، ب ۱۲، بندهای ۴۰-۳۵.

۳. همان، ب ۲۱، بندهای ۲۷-۲۵.

۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) قابل تطبیق است». و اما ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی (علیه السلام) نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی اطلاع ندارد، و او کسی جز حضرت مهدی (علیه السلام) آخرین حجت خدا نخواهد بود.

د) انجیل یوحنا

«و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری»^۱

مکاشفه یوحنا

«و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می آورد.

و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر. و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و ازدها پیش آن زن - که می زایید - بایستاد تا چون

۱. انجیل یوحنا، ب ۵، بندهای ۲۸-۲۶.

بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زاید که همه اُمتهای زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربنوده شد . . .

و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ انداخته شد. یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.^۱

مفسرین انجیل در مورد آیات فوق می گویند: شخص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم به عرصه وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موقوف به زمان آینده و نامعینی است که وی ظاهر گردد.^۲

اما در اینجا برای روشن شدن مطلب به فرازهایی از کتاب بشارات عهدین توجه فرمایید:

« مقصود از آن زن که در مکاشفه فوق، مادر شخص مورد بشارت معرفی شده که خورشید پوشیده و ماه زیر پایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره بود، مادر پاک - گهر حضرت مهدی علیه السلام، نرجس خاتون است و خورشید، پدر والا گهرش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که تمام انوار درخشان آسمان نبوت و امامت را بر رحم پاک نرجس بتابید تا برجسته ترین نماینده و آینه تمام نمای آنان را از وی نمودار سازد و فرزندی بیاورد که مجمع همگی آن انوار و حامل لوای انقلاب جهانی گردد.

۱. مکاشفه یوحنا، ب ۱۲، بندهای ۱۰-۱.

۲. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ... ص ۳۴۳.

و مقصود از ماه (که در زیر پای هایش بود)، حکیمه خاتون عمه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که به هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام قابله نرجس خاتون بوده و آماده گرفتن آن مولود مسعود بوده و بر این عمل دقیقه شماری می کرده است. و دوازده کوکب درخشان که بر تاج پر افتخار نرجس تالو می نمودند حضرت خاتم الانبیا (ص) و دختر یگانه اش صدیقه طاهره سلام الله علیها و ده امام (علی بن ابی طالب علیه السلام تا علی بن محمد الهادی علیه السلام) می باشند که مقام شامخ سلطنت و زعامت روحانی و جهانی حضرت مهدی علیه السلام، مرکب از این انوار و مؤسس بر این بنیانهای رفیع آسمانی و ملکوتی است.

و آن ازدهای بزرگ آتشین، دستگاه شیطان و پیروان اوست که همیشه آماده ویران ساختن کاخ رفیع ادیان و نابود کردن انبیا و اولیای الهی بوده و می باشد. و چنان که در آیه ۴ اشاره شده وی پیش از ولادت آن موعود جهانی، با دمش یک سوم ستارگان آسمان را جاروب کرده بود و اکنون به هوس نابود ساختن پرچمدار عدل جهانی که مجمع تمامی ستارگان آسمان ولایت است افتاده است... همین شیطان در زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام در لباس خلفای عباسی، به ویژه معتمد و معتصم عباسی که در عصر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودند، جلوه نموده، با کمال اهتمام به هوس نابود ساختن آن یگانه مولود مسعود جهانی افتاده بود.

چنانچه بر حسب شهادت تواریخ و آثار، نامبردگان جاسوس هایی بر حرم محترم آن حضرت گماشته بودند که اگر فرزند ذکوری از آن حضرت پدید شد، حکومت وقت را آگاه سازند تا در نابود ساختن وی اقدام نماید.

ولی چنان که در آیات مکاشفه فوق اشاره شد، اراده حتمی الهی، آن زن و طفلش را از هرگونه آسیب در امان داشت و دستگاه جاسوسی و کنجکاوی اهریمنان

که همچون سیل به هر سو روان کرده و برای غافل گیر ساختن آن موعود جهانی شب و روز بکار بود، سودی نبخشید.»^۱

در قسمت دیگری از مکاشفه یوحنا^۲ لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

«و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشمانش چون شعله آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند و جامه خون آلود - سرخ - در بر دارد و نام او را کلمه خدا می خوانند. و لشکرهایی که در آسمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن اُمتهای را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود . . . و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید: بیاید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران . . .»^۲

با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارده شده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

۱. بشارات عهدین، صص ۲۶۷-۲۶۵ .

۲. مکاشفه یوحنا، ب ۱۹، بندهای ۱۸-۱۱ .

هـ) رساله پولس به رومیان

«زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است»^۱.

«... و آن که برای حکمرانی اُمتهای مبعوث شود، امید اُمتهای بر وی خواهد بود»^۲

«زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها ربنده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود»^۳

به طوری که ملاحظه می‌شود این فراز از عهد جدید با روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است:

۱ - نزول حضرت عیسی علیه السلام

۲ - صیحه آسمانی.

۳ - زنده شدن گروهی از افراد صالح.

۴ - آمدن او بر فراز ابر.

۵ - ربنده شدن یاران حضرت ولی عصر (علیه السلام) از محرابها و رختخوابهای

خود، و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه این موارد در احادیث اسلامی آمده، و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است.

۱. رساله پولس به رومیان، ب ۸، بند ۱۸.

۲. همان، ب ۱۵، بند ۱۲.

۳. رساله اول پولس به تسالونیکیان، ب ۴، بندهای ۱۷-۱۵.

۵-۱ «آرماگدون»، «قرقیسا» و رابطه آن با ظهور حضرت مهدی

علیه السلام

کلمه (Armageddon) یا «هرمجدون» واژه ای است یونانی که بنا به تعریف واژه نامه های آمریکایی همچون فرهنگ «وبستر» به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخر الزمان است. همچنین این واژه، نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آنجا رخ می دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد. به عبارتی نبرد مذکور مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد.

حادثه شریف ظهور، حادثه ای بزرگ است و قدرتهای بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می دهد جهت داده و نقشه های نظامی خود را به شکلی سامان داده اند که آمادگیهای لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه های این دولتها نیز، مردم خود را برای پیشباز این حادثه آماده می سازند.

این مؤسسات دینی به همراه رسانه های دیداری و شنیداری این دولتها، از سالهای دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام که به نبردی هسته ای خواهد انجامید توجه داده اند. این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می خوانند که بزودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیونها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می کند و پس از گذشتن از رود فرات - که در آن زمان به خشکی گراییده است - به سوی قدس

رهسپار می شود . اما نیروهای مؤمن به مسیح راه این لشکر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد . صخره ها ذوب می شوند ... دیوارها بر زمین فرو می غلتند ... پوست تن انسانها در حالیکه ایستاده اند ذوب شده و میلیونها نفر از بین می روند ... و این نبردی نهایی و هسته ای است ... سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می آید ... و پس از چندی زمام رهبری جهان را در دست گرفته و صلح جهانی را برقرار می کند ... او دولت صلح را بر زمین نو و زیر آسمانی تازه بنا می کند ... و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می سازد .

یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه «تلسن» که در اکتبر سال ۱۹۸۵ م . به نشر رسیده است؛ نشان می دهد که در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون گوش خوابانده اند و این در حالی است که مؤسسات دینی و ایستگاههای رادیو تلویزیونی زیادی به این مهم پرداخته اند.

مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد، بنا به پیشگویی حزقیال (فصل ۳۸ و ۳۹) از نظامیانی از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می شوند . دانستن این موضوع ما را در تحلیل سیاست خارجی دولتهای آمریکایی و اروپایی درباره مردم کشورهای یاد شده یاری می دهد .

مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می سازد ... و این واقعه ای بسیار نزدیک است به تبلیغ این دیدگاه پرداخته اند .

آرماگدونی که این عده از آن سخن می گویند همان حادثه عظیمی است که پیش از ظهور مهدی، عجل الله تعالی فرجه، رخ خواهد داد، همان حادثه بزرگی که ائمه ما، علیهم السلام، نام «قرقیسا» را بر آن اطلاق کرده اند. ائمه ما، علیهم السلام، از این نکته خبر داده اند که میلیونها نظامی از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دول مغرب عربی به اضافه سربازانی از سرزمین شام شامل کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل همگی در ناحیه ای در این محدوده تحت عنوان «قرقیسیا» با یکدیگر برخورد کرده و پس از حصول درگیری، این سفیانی است که در پس آنکه همگی را چونان کشتزاری درو شده در هم می کوبد از صحنه نبرد پیروز بیرون می آید. در کتاب کافی از امام باقر، علیه السلام، نقل است که از یکی از اصحاب به نام میسر سؤال کردند:

«ای میسر! از اینجا تا قرقیسیا چقدر راه است؟» عرض کردم: «همین نزدیکی ها در ساحل فرات قرار دارد.» پس فرمودند: «اما در این ناحیه واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمانها و زمین را آفریده بی سابقه بوده، چنانکه تا وقتی آسمانها و زمین برپا هستند هم، واقعه ای همچون آن اتفاق نخواهد افتاد... سفره ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می شوند.»^۱

امثال این روایات از امام صادق، علیه السلام، و سایر ائمه نقل شده است.

حادثه «قرقیسیا» همان حادثه بزرگی است که پیش از ظهور حضرت حجت بن الحسن العسکری، علیه السلام، رخ می دهد و از آنجا که این حادثه به سفیانی ارتباط دارد و سفیانی از علایم حتمی ظهور امام زمان، علیه السلام، است وقوع این حادثه

حتمی است، چه، امام مهدی علیه السلام پس از حادثه قرقیسا با سفیانی برخورد خواهد کرد (و پس از شکستهای سفیانی فرو رفتن سپاه او ما بین مکه و مدینه) برای دیدار با مسیح، علیه السلام، رهسپار قدس خواهد شد.^۱

۱. با اندکی تلخیص و تغییر، بر گرفته از لوح فشرده ستاد پاسخگویی به مسائل دینی، دفتر تبلیغات اسلامی، به نقل از فصلنامه موعود، شماره ۲۸.

مثنوی « زمزمه دلباختگان » از آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاته)

ببر از ما سوی آن شه خبری
 تو در این پیکر عالم جانی
 سینه پر اخگرو آتش خیز است
 به تو از غیر تو پر داخته ام
 یک نگه کردم و دل باختمت
 وارث صدق کلیم الهی
 بهترین پور خلیل الهی
 یادگار و خلف بوالحسنی
 سخت شیدایی آن خال لبم
 آب و باد، آتش و هم خاک نبود
 نهادی به جهان هیچ قدم
 قلب خونابه شده چون صهبا
 مخلصان غرق کرامت نکنی
 کمترین خادم آن درگاهم

برو ای باد صبا کن گذری
 تو مهین پادشه خوبانی
 جام دل از غم تو لبریز است
 فاش می گویم و دل باخته ام
 من همان روز که بشناختمت
 تو همان عیسی روح الهی
 آدم و نوح و نبی الهی
 تو محمد تو حسین و حسنی
 بهر دیدار تو در تاب و تبم
 گر نبود تو، افلاک نبود
 آدم بوالبشر از کتم عدم
 عدل افسانه شده چون عنقا
 حاش لله که عنایت نکنی
 «ناصر»م از کرمت آگاهم

سخن پایانی:

ضمن نثار خالصانه ترین، گرم ترین و سبزترین سلام ها به ساحت مقدس مولا و مقتدایمان، حضرت ابا صالح حجت بن الحسن العسکری ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و دعا برای سلامتی و تعجیل در فرج آن حضرت، این دفتر را در اینجا به پایان می بریم.

اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه، عن جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها، و برّها و بحرّها و سهلها و جبلها، حیّهم و میّتهم و عن والدیّ و ولدی، و عتی من الصلوات و التّحیات زنة عرش الله و مداد کلماته و منتهی رضاه و عدد ما احصاه کتابه و احاط به علمه، اللهم انی اجدّد له فی هذا الیوم و فی کلّ یوم عهداً و عقداً و بیعةً فی رقبتی.

اللهم صلّ و سلّم و زد و بارک علی صاحب الدّعوة النّبویة و الصّولة الحیدریّة و العصمة الفاطمیّة و الحلم الحسینیّة و الشّجاعة الحسینیّة و العبادة السجّادیّة و المآثر الباقریّة و الآثار الجعفریّة و العلوم الكاظمیّة و الحجج الرضویّة و الجود التقویّة و النقاوة النقیّة و الهیبة العسکریّة و الغیبة الالهیّة امام السّر والعلن، ابی القاسم محمد بن الحسن صاحب العصر و الزمان، قاطع البرهان و خلیفة الرحمن و شریک القرآن و مظهر الایمان سیّد الانس و الجنان و رحمة الله و برکاته.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات فقیه.
۳. کتاب مقدس عهدین (عهد عتیق و عهد جدید) چاپ انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل.
۴. ابراهیم، علیرضا، مهدویت در اسلام و دین زرتشت، انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۵. احتشامی نیا، محسن، منجی به روایت اسلام و مسیحیت (ترجمه المخلص بین الاسلام و المسیحیه، باسم الهاشمی)، انتشارات آفاق، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۶. احمد بن حنبل، مسند، انتشارات دارالجمیل (بیروت).

۷. بخاری، صحیح بخاری، انتشارات دارالمکتب الاسلامیه (بیروت)، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۸. برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، انتشارات مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۸.
۹. بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۴۱ ش.
۱۰. بهار، مهرداد، اساطیر ایران باستان، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۱۱. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، انتشارات مطبوعاتی حسینی، چاپ هفتم، ۱۳۶۱.
۱۲. پور داوود، ابراهیم، سوشیانس، انتشارات فروهر، ۱۳۷۴.
۱۳. پور داوود، ابراهیم، گات‌ها (گاتاها)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۴.
۱۴. ترمذی، سنن ترمذی، انتشارات المکتبه الاسلامیه.
۱۵. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۶. توفیقی، حسین، نگاهی به ادیان زنده جهان، انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۷. جلالی، غلامرضا، تاریخ ادیان ابراهیمی، انتشارات آبیژ، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۸. جوینی خراسانی، ابراهیم، فرائد السمطین ...، انتشارات مؤسسه محمودی (بیروت)، ۱۴۰۰ هـ.ق.

۱۹. حسینی الهمدانی، سید محمد، تفسیر انوار درخشان، انتشارات کتاب
فروشی لطفی، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۲۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، انتشارات
میقات، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۲۱. خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل
سنت، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۲. دارا شکوه، محمد، (ترجمه) اوپانیشاد از متن سانسکریت، انتشارات تابان،
۱۳۴۰ هـ.ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم،
۱۳۷۷.
۲۴. دوستخواه، جلیل، اوستا (گزارش و پژوهش)، انتشارات مروارید، چاپ
اول، ۱۳۷۰.
۲۵. راشد محصل، محمد تقی، نجات بخشی در ادیان، انتشارات پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۲۶. رضوی، سید جواد، سیمای حضرت مهدی در قرآن در پرتو روایات،
انتشارات موعود اسلام، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۲۷. ساعدی خراسانی، محمد باقر، ترجمه و شرح فارسی ارشاد شیخ مفید،
انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۱.
۲۸. سجستانی الازدی، سلیمان بن اشعث، سنن ابن ابی داوود، انتشارات
دارالاحیاء السنن النبویه.

۲۹. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، انتشارات آیات عشق، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳۰. شاهمرادی، علی، تاریخ یهود از آغاز تا تجزیه امپراطوری سلیمان، انتشارات نیکان کتاب، ۱۳۸۴.
۳۱. شریعتی، علی، تاریخ و شناخت ادیان، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.
۳۲. شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد علی، تفسیر شریف لاهیجی، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳.
۳۳. صادقی، محمد، بشارات عهدین، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
۳۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی امام الثانی عشر، انتشارات مکتب الصدر.
۳۵. صدوق، خصال شیخ صدوق (با ترجمه و شرح فارسی)، انتشارات کتابخانه اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
۳۶. طالقانی، محمود، مهدویت و آینده بشر، انتشارات بنیاد فرهنگی آیت الله طالقانی، ۱۳۶۰.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات مؤسسه الاعلمی (بیروت) ۱۳۹۰ هـ ق.
۳۸. فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر صافی، انتشارات دارالمرتضی للنشر، چاپ اول.

۳۹. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، انتشارات دارالمکتب العلمیه (بیروت)
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، انتشارات دارالکتاب للطباعه و النشر، چاپ سوم.
۴۱. قندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، انتشارات دارالمکتب العراقیه، (قم)، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۴۲. کوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات، تفسیر فرات الکوفی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰، هـ. ق.
۴۳. کیخسرو، اسفندیار، دبستان المذاهب، انتشارات طهوری، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۴۴. گل محمدی آرمان، فریده، رسالت جهانی حضرت مهدی (ع)، انتشارات دارالنشر اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۴۵. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، انتشارات منطق (سینا) چاپ اول، ۱۳۷۳.
۴۶. مجلسی، شیخ محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات مؤسسه الوفا، (بیروت) ۱۴۰۳ هـ. ق.
۴۷. مردانی، محمد، سیری کوتاه و گذرا در ادیان و فرق، انتشارات سپهر قسم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴۸. مسلم، الجامع الصحیح، انتشارات دارالمعرفه (بیروت).
۴۹. مقدسی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر (ع)، انتشارات نصایح، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.

۵۰. مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد، انتشارات رسالت، چاپ نهم، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۵۱. مهدی پور، علی اکبر، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص، کامل سلیمان)، انتشارات آفاق، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۵۲. نوبختی، ابومحمد، فرق الشیعه (ترجمه محمد جواد مشکور)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
۵۳. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام...، انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵۴. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، انتشارات کتابخانه طهوری، چاپ دوم، ۱۳۴۹ ش.